

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



زیبائی‌های

معراج پیامبر اعظم
صلی الله علیه و آله

زینب خیرالهی حسین آبادی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

سرشناسه	: خیرالهی حسین آبادی، زینب، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: زیبایی های معراج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / زینب خیرالهی حسین آبادی.
مشخصات نشر	: اصفهان : دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ ص.
شابک	: 978-964-10-3763-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق.
موضوع	: معراج
شناسه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی. واحد خوراسگان
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ خ/۲۴/۲۴ BP۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۴۵۸۲۹



ناشر: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
 نشانی: اصفهان، خیابان جی، صندوق پستی: ۸۱۵۹۵-۱۵۸
 تلفن: ۰۳۱-۳۵۳۵۴۰۰۱، فاکس: ۰۳۱-۳۵۳۵۴۰۶۰، Email: info@khuisf.ac.ir

زیبائی های معراج پیامبر اعظم(ص)

زینب خیرالهی حسین آبادی

- مدیر مسئول: دکتر پیام نجفی
- مدیر تولید: فاطمه دادرسی
- طراح جلد: انتشارات المهدی
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴
- چاپ:

قیمت: تومان

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۳۷۶۳-۷ ISBN: 978-964-10-3763-7

مرکز فروش: ۰۳۱-۳۵۳۵۴۱۷۰

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۱
فرهنگ جذابیت و زیبایی معراج.....	۱۳
زیبائی های معراج در آیات قرآن.....	۱۴
معراج گاه پیامبر(ص).....	۱۴
زیبائی های بخش دوم معراج در آیات سوره نجم.....	۱۷
۱. زیبایی نجم در رسول الله.....	۱۹
زیبائی عصمت.....	۱۹
نفی هواپرستی پیامبر(ص) در ماجرای معراج.....	۲۰
تقرب پیامبر(ص) به خداوند.....	۲۰
زیبائی های دید باطنی.....	۲۳
زیبائی های معراج در آیات دیگر قرآنی.....	۲۴
جذابیت مشاهده حکومت مطلقه خداوند.....	۲۴
سئوال از پیامبران قبل از پیامبر اسلام(ص).....	۲۵
درخت زیبای طوبی.....	۲۶
داستان نافع بن ازرق.....	۲۷
زیبائی های معراج از زبان راویان.....	۲۸

۲۸	مجموعه زیبائی‌های معراج.....
۳۰	وسایل جذاب و زیبای حرکت برای معراج.....
۳۳	نظرگاه اندیشمندان از زیبائی‌های معراج.....
۳۳	حضرت عبدالعظیم حسنی متوفای ۲۵۰ هجری.....
۳۴	دیدگاه شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ هجری.....
۳۴	دیدگاه شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری).....
۳۴	دیدگاه شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هجری).....
۳۵	دیدگاه شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸).....
۳۵	دیدگاه ابوالفتح رازی (متوفای ۵۵۲).....
۳۶	دیدگاه ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸).....
۳۶	دیدگاه ملافتح الله کاشانی (متوفای ۹۸۸).....
۳۷	دیدگاه ملاصدرا شیرازی (متوفای ۱۰۵۰).....
۳۷	سخن فیض کاشانی.....
۳۷	علامه مجلسی و مسئله معراج.....
۳۹	معراج از دیدگاه اندیشمندان اهل سنت.....
۳۹	محمد بن جریر طبری.....
۳۹	ابن کثیر صاحب تفسیر کبیر.....
۴۰	دیدگاه انیشتین درباره معراج.....
۴۱	معراج پیامبر (ص) در زیبائی‌های عقل.....
۴۲	چرائی بیت المقدس.....
۴۵	انتخاب بیت المقدس به خاطر عروج.....
۴۵	۱. وفاق و اتحاد مکتب‌ها.....

۴۵	۲. معنوی بودن و دارای احترام بودن و قداست این سرزمین
۴۵	۳. صدور اسلام به خارج از مرزها و هشدار همگانی
۴۶	امکان معراج
۴۷	عوامل و علل معراج
۴۸	شبها و موانع معراج
۴۸	۱. مسئله جاذبه
۴۹	۲. مسئله بی وزنی
۵۰	۳. فقدان هوا در مسیر معراج
۵۱	۴. گرمای سوزان و سرمای شدید
۵۲	۵. مانع اشعه‌های خطرناک کیهانی
۵۲	۶. اشکال سنگ‌ها و شهاب آسمانی
۵۳	زیبائی‌های معراج در جسمانی و روحانی بودن آن
۵۵	انکار معراج
۵۵	پیامبر(ص) در حالت خواب
۵۵	مسافتی با جسم و مسافتی با روح
۵۷	طی مسافت با جسم تا آخرین مأموریت
۵۸	زیبائی‌های شواهد معراج جسمانی پیامبر اعظم در اخبار
۵۸	اکنون به چند نمونه از اخبار معراج جسمانی اشاره می‌کنیم
۵۹	ورود عقل در زیبائی‌های معراج جسمانی
۶۰	چرا برای عده‌ای قبول معراج سخت بوده است
۶۱	سرعت و حرکت حضرت سلیمان
۶۲	داستانی در احتجاج طبرسی

- آوردن تخت ملکه سبابه بیت المقدس ۶۲
- طی الارض، طی اللسان و طی الخلق ۶۳
- اهم زیبائی‌ها در ملاقات‌های معراج ۶۵
۱. ملاقات با حضرت آدم (ع) ۶۵
۲. ملاقات با مسئول دوزخ ۶۶
۳. ملاقات و دیدار با عزرائیل ۶۷
۴. دیدار با گروه پایمال‌کننده مال یتیم ۶۸
۵. دیدار با گروه بدگویان در غیاب ۶۸
۶. دیدار با مردار خواران ۶۹
۷. دیدار با جماعت رباخواران ۶۹
۸. دیدار سخن چینان ۶۹
۹. دیدار با خطیبان فتنه‌انگیز ۷۰
- ۱۰ و ۱۱. دیدار با حضرت یحیی (ع) و حضرت عیسی (ع) ۷۱
۱۲. دیدار با حضرت ادريس (ع) ۷۲
۱۳. دیدار با حضرت یوسف ۷۳
۱۴. دیدار با حضرت هارون و موسی دو پیامبر برادر ۷۴
۱۵. ملاقات با حضرت ابراهیم ۷۶
- بازدید پیامبر (ص) از بیت معمور ۷۷
- آمدن پیامبر (ص) به کنار سدرۃ‌المتنه ۷۹
- فوق‌العادگی زیبای معراج با حضور و ملاقات علی (ع) ۸۱
- زیبائی نام علی (ع) در معراج ۸۲
- سؤال مرد یهودی درباره معراج و اسلام آوردن او ۸۲

۸۳	فضایل امام علی (ع) در معراج
۸۴	ملک علی گونه در معراج
۸۵	گفتگو در معراج از بهترین اهل زمین
۸۶	امتیازهای علی (ع) در معراج
۸۷	محبت علی (ع) هدیه الهی
۸۸	زیبائی نماز در معراج
۹۳	کتابنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

هرچند پیر و خسته دل و ناتوان شدم هرگه که یاد روی تو کردم جوان شدم
شکر خدا که هرچه طلب کردم از خدا بر منتهای همت خود کامران شدم
ای گلئین جوان بر دولت نجوی که من در سایه تو بلبل باغ جهان شدم

با چه خجالتی یا چه افتخاری داستان زیبای معراج پیوند آفرین و اخلاق ساز جمال و جلال
پیامبر اکرم (ص) را بیان کنیم تا خلق و خوی نبوی از خلال گفته‌ها و نوشته‌ها به مشام جانمان
بنشیند با چه زبان و چه اشکی احساس خویش را با قطره دانش حکایت کنیم.

چه احتیاج به عطر است آن پری رو را به گل ضرور نباشد گلاب پاشیدن را

در لابلای کتاب‌ها به دنبال زیبایی‌های تو گشتیم و ای سوره عشق و ای آیه مهر عطر
وجودت را بیشتر در زیبایی معراج پژوهش نمودیم با انداک توان و با تمام وجود و اندیشه
کامل وضو ساختیم و با عذر و تقصیر به تماشای معجزه‌ای بزرگ پناه آوردیم و با اجازات از
خداوند بزرگ و شکرگزاری در گاهش توفیق یافتیم پیرامون این زیبایی‌های جذاب و سازنده
معراج کاغذهای سپید را آرام قلم بزنیم و از شاهد غیب و تندیس اخلاق و الگوی انسانی
نسخه‌هایی برای پیروی و الگوپذیری انتخاب کنیم. از بیان نورانی قرآن که فرمود: «سبحان
الذي اسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى» و در مقطع دیگر فرمودند: «و هو
بالافق الاعلى ثم دنا فتدلى فكان قاب قوسين او ادني» همچنين در گزارش گویا و معطر

پیامبر(ص) زیر روشنای شمس و ضحی از سیر زمینی و آسمانی درس‌های معراجی فراگیریم و بتوانم در تلاش‌های معرفت‌افزائی و آمادگی جهادی و مقاومت، اخلاق و کرامت شریک کنیم و خاضعانه از مکتب معراجی جان‌جانان و صاحبان فضائل بی‌شمار به سمت و سوی ارزش‌های علمی و اخلاقی و اجتماعی نبوی سوق پیدا کنیم و سبک زندگی خود را از اسوه حسنه که شخصیت انبیا و الهی همچین حضرت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی در آن وجود مقدس متبلور و مجسم گردیده روزآمدی کنیم پس سزاوار است به گنجینه‌ای پر بار و فرهنگی و بالنده و آموزنده معراجی نگاهی نو بیاندازیم و این بخش از تاریخ گهربار اسلام را که مسجدالحرام تا مسجدالاقصی و از آنجا تا سدره‌المنتهی بر فراز آسمان‌ها و فضاها ی مادی و معنوی کشیده شده است مد نظر قرار دهیم و از زیبائی‌های حرکتی سخن بگوییم که هر صفحه از آن انسان را بی‌اختیار مجذوب می‌نماید و دل را همراه با قهرمان معراج به اوج ارزش‌ها می‌کشاند چشم‌انداز زیبای معراج ظاهر و باطن هر انسان را مبهوت می‌نماید و عظمت سیمای حقیقی رسول خاتم را برای انسان آشکار می‌سازد و این واقعه حقیقی اندیشه و فکر نو و دانشی دیگر از زندگانی پیامبر اعظم(ص) را که به همراه دارد باز گو کند و رویدادی جدید در زندگانی انسان ایجاد خواهد کرد.

نوشته‌ای که پیش روی شماست و اکنون از دید علاقمندان می‌گذرد زیبائی‌های معراج است که از قرآن و روایات، دیدگاه‌ها و تاریخ برگرفته شده است امید است در افزایش اعتقادات و اطلاعات پیروان رسول الله(ص) کمکی باشد و در ایجاد پیوندی بیشتر مؤثر باشد.

زینب خیرالهی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی

واحد اصفهان (خوراسگان)

فرهنگ جذابیت و زیبایی معراج

عظیم‌ترین حادثه تاریخ زندگی درخشان پیامبر اسلام (ص) حادثه معراج او به آسمان‌ها است همچنین از جذاب‌ترین و زیباترین دلایل عظمت و شکوه آن شخصیت بزرگ همین اعجاز است مجموعه‌ای فرهنگی و تربیتی و سفری زمینی و آسمانی و نمونه‌ها و آیات بزرگ الهی که می‌تواند سلسله برنامه‌های دیدنی و شنیدنی این سفر ملکوتی و پر محتوا و جالب و زیبا که بخشش مهمی از زندگی درخشان پیامبر اسلام (ص) است گرچه مدتش کوتاه و بدون زمان بود ولی یک جهان معانی و دستورالعمل‌های عظیم تربیتی و فرهنگی را در خود جای داده است نه تنها زیبایی‌های زمین‌نما و آسمان‌نما دارد بلکه امور و اسرار بسیار جالب و ظریف و لطیف از درس‌ها و آموزش‌ها می‌باشد که دانستن آن‌ها و در مسیر قرارگرفتن خط و سیر این معراج می‌تواند برای پیمودن مراحل و تکامل و ایجاد فرهنگ و سبک زندگی هر فرد مسلمانان مؤثر باشد و فکر و قلب و جسم و جان انسان را در افق بیکران معرفت‌شناسی قرار دهد و پیروان پیامبر اسلام (ص) را در فراسوی مرزهای مادی به پرواز در آورد.

پیشرفت علم و دانش و ارتباطات اینترنتی و ماهواره‌ای تاحدودی ما را برای درک عظمت معراج کمک شایان توجهی می‌دهد. با محاسبات جدید حجم خورشید یک میلیون و سیصد هزار برابر کره زمین است و فاصله آن با زمین حدود ۱۵۰ میلیون کیلومتر می‌باشد سطح خورشید بالغ بر شش هزار درجه سانتی‌گراد است و حرارت درونی آن بیست میلیون درجه جالب اینکه در جهان در میان کهکشان‌ها میلیون‌ها خورشید قرار دارد و در انتهای جهان

کلهکشانى وجود دارد که دارای ده‌ها میلیون خورشید است و ابر اخترى که صد میلیون بار درخشان‌تر از خورشید است.^۱

اینک با توجه به این امور که در آسمان اول است جهان و آسمان‌های دیگر چقدر بزرگ است و معراج پیامبر(ص) که تا سدرۃ المنتهی بسیار بزرگ‌تر از این جهان است.

زیبائی‌های معراج در آیات قرآن

از گذشته‌های دور در بین انسان‌ها هر جا سخن از رفتن به فضا و آسمان‌ها در میان بوده شوقی وصف ناشدنی را به همراه داشته است چه رسد به سفری آسمانی که با زیبائی‌های خالص برای بنده‌ای خاص صورت پذیرفته و آن هم نه سفری که تا بخشی از فضا بلکه تا آخرین نقطه هستی پیش رفته است.

قرآن که تمام سخنانش زیبا است. زیبائی‌های معراج را در چند سوره از قرآن کریم بیان داشته است بطور کلی آیات مربوط به معراج را می‌توان بر دو گونه تقسیم‌بندی کرد:

۱. آیات قرآنی که به صورت آشکارا و صریح زیبائی‌های معراج را بیان کرده است

مانند آیه اول سوره مبارکه اسراء و آیات اول تا هجدهم سوره مبارکه نجم که هر

کدام به تناسب دو مقطع از سیر پیامبر اکرم(ص) را بیان می‌کند.

۲. آیاتی که مفسران هر کدام از آن‌ها را به گونه‌ای با واقعه معراج در ارتباط دانسته که

نمونه‌های از آن‌ها بیان خواهد شد.

معراج گاه پیامبر(ص)

نخستین آیه سوره اسراء سفر شبانه پیامبر(ص) از مسجد الحرام به مسجدالاقصی (بیت المقدس) که مقدمه‌ای برای معراج آسمانی بوده است سخن می‌گوید. این سفر که در یک شب و مدتی کوتاهی صورت گرفت حداقل در شرایط آن زمان از طریق عادی به هیچ

۱. کتاب همه می‌خواهند بدانند. ص ۵۴.

وجه امکان‌پذیر نبود و جنبه اعجاز‌آمیز و کاملاً خارق‌العاده داشت و با چشم‌اندازی زیبا بیان می‌کند منزّه است آن خداوندی که بنده‌اش را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را پر برکت ساخته‌ایم برد تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم چرا که او شنوا و بینا است.^۱

«سبحان الذي اسرى بعبدہ ليلاً من المسجد الحرام الي المسجد الاقصى الذي باركنا حوله لئريه من آياتنا انه هو السميع البصير»^۲

این سیر شبانه خارق‌العاده به خاطر آن بود که بخشی از آیات عظمت خود را به او نشان دهد و خدای سميع بصير این فيض را اراده کرده است.

اگر خداوند پیامبرش را برای این افتخار برگزید بی‌دلیل نبود زیرا او گفتار و کرداری آنچنان پاک و شایسته داشت که این لباس برقامتی کاملاً زیبا بود خداوند گفتار پیامبرش را شنیده و کردار او را دیده و لیاقتش را برای این مقام پذیرفته بود.

در این آیه قرآن مشخصات و زیبایی‌های این سفر اعجاز‌آمیز را بیان می‌کند:

۱. جمله «اسری» نشان می‌دهد که این سفر شب هنگام واقع شده زیرا اسرار در لغت عرب به معنی سفر شبانه است در حالی که کلمه سیر به مسافرت در روز گفته می‌شود.

۲. کلمه لیلاً در عین این که تأکیدی است برای آنچه از کلمه اسراء فهمیده می‌شود این حقیقت را نیز بیان می‌کند که این سفر به طور کامل در یک شب واقع شد و مهم نیز همین است که فاصله میان مسجدالحرام و بیت‌المقدس حدود هزار و دویست کیلومتر است که در قدیم در مدت چهل شبانه روز می‌پیمودند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۹، حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

۲. قرآن سوره اسراء، آیه ۱.

۳. کلمه عبد نشان می‌دهد که این افتخار و اکرام به خاطر مقام عبودیت و بندگی پیامبر(ص) بود چرا که بالاترین مقام برای انسان این است که بنده راستین خدا باشد جز بر پیشگاه او جبین نساید و در برابر فرمانی جز فرمان او تسلیم نگردد هر کاری می‌کند برای خدا باشد و هر گامی برمی‌دارد رضای او را بطلبد.
۴. همچنین تعبیر عبد نشان می‌دهد این سفر در بیداری واقع شده و این سیر جسمانی بوده است نه روحانی تنها زیرا سیر روحانی تنها معنوی معقولی جز مسأله خواب یا حالتی شبیه به خواب ندارد ولی کلمه عبد نشان می‌دهد جسم و جان پیامبر(ص) در این سفر شرکت داشته منتها کسانی که نتوانسته‌اند این اعجاز را در فکر خود جای دهند احتمال روحانی بودن را به عنوان توجیهی برای آیه ذکر کرده‌اند.
۵. آغاز این سیر مسجدالحرام در مکه و انتهای آن مسجدالاقصی بوده است از کنار کعبه یا خانه یکی از بستگان خود.
۶. هدف از این سیر مشاهده آیات عظمت الهی بوده همان گونه که دنباله این سیر در آسمان‌ها نیز به همین منظور انجام گرفته است تا روح پر عظمت پیامبر(ص) در پرتو مشاهده آن آیات بینات عظمت بیشتری یابد و آمادگی فزون تری برای هدایت انسان‌ها پیدا کند نه آن گونه که کوته فکran می‌پندارند که پیامبر(ص) به معراج رفت تا خدا را ببیند.
۷. جمله بارکنا حوله بیانگر این مطلب است که مسجدالاقصی علاوه بر اینکه خود سرزمین مقدسی است اطراف آن نیز سرزمین مبارک و پربرکتی است و این ممکن است اشاره به برکات ظاهری آن بوده باشد چرا که می‌دانیم در منطقه‌ای سرسبز و خرم و مملو از درختان و آب‌های جاری و آبادی‌ها واقع شده است و نیز ممکن است اشاره به برکات معنوی آن بوده باشد زیرا این سرزمین مقدس در طول تاریخ مرکز ظهور پیامبران بزرگ خدا و خاستگاه نور توحید و خداپرستی بوده است.

۸. جمله «انه هوا السميع البصير» اشاره به این است که بخشش این موهبت به پیامبر(ص) بی حساب نبوده بلکه به خاطر شایستگی‌هایی بوده که بر اثر گفتار و کردار پیامبر(ص) پیدا شد و خداوند از آن بخوبی آگاه بود.
۹. کلمه سبحان دلیلی است بر این که این برنامه پیامبر خود نشانه‌ای بر پاک و منزّه بودن خداوند از هر عیب و نقص است و طبق بیان علامه طباطبائی در تفسیر المیزان بیشتر محتوای سوره اسرا در مورد تسبیح خداوند متعال است.^۱
۱۰. کلمه من در من آیاتنا نشان می‌دهد آیات عظمت خداوند آن قدر زیاد است که پیامبر(ص) با تمام عظمت، تنها گوشه‌ای از آن را مشاهده کرده است.^۲

زیبائی‌های بخش دوم معراج در آیات سوره نجم

و النجم اذا هوى ماضل صاحبکم و ما غوی تا آیه ۱۸ لقد رأى من آیات ربه الکبریٰ سوگند به ستاره هنگامی که فرود آید صاحب شما هیچ‌گاه در ضلالت نبوده است و مقصد را گم نکرده است. هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه آورد، چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است آنکس که قدرت عظیمی دارد او را تعلیم داده همان کس که توانایی فوق‌العاده و سلطه بر همه چیز دارد سپس نزدیک‌تر شد تا آنکه فاصله او به اندازه دو کمان یا کمتر بود پس خدا به بنده خود وحی فرمود آنچه که هیچ کس درک آن نتواند کند. آنچه دید دلش هم حقیقت یافت و کذب و خیال نپنداشت آیا کافران بر آنچه رسول مشاهده کرده انکار می‌کنند و یک بار دیگر هم رسول او را مشاهده کرد در نظر سدره المنتهی بهشتی که مسکن متقیان است در هما نجایگاه است در آن هنگام که چیزی نور خیره‌کننده‌ای سدره‌المنتهی را پوشانده بود چشم از حقایق آن عالم آنچه را باید بیگرد بی هیچ کم و کاست مشاهده کرد آنجا که از بزرگ‌ترین آیات حیرت‌انگیز پروردگار را به حقیقت دیدن کرد.

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۳، علامه طباطبائی

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۲، آیت‌اله العظمی مکارم شیرازی، ص ۲۳

حرکت زیبا و سیر آسمانی پیامبر(ص) در این سوره بیان شده است سیری که در مرحله‌ای از آن حتی هیچ کس نتوانست همراهی با پیامبر(ص) کند و جبرائیل امین نیز چنین گفت اگر یک قدم نزدیک‌تر آیم بال‌هایم می‌سوزد.

نکته جالب توجه اینکه پیامبر(ص) وقتی که به قریش فرمود: من فرشته وحی را هنگام آوردن اولین وحی با قیافه واقعی خود دیدم در این باره قریش با او به مجادله برخاستند قرآن در پاسخ انکار این‌ها چنین می‌فرماید:

چرا درباره دیدن جبرائیل با پیامبر مجادله می‌کنید او یک بار دیگر نیز فرشته را نزدیک سدره‌المنتهی در مجاورت بهشت که اقامتگاه نیکان است دیده است آن‌دم که سدره‌المنتهی را آثار شکوه فرا گرفته بود جبرائیل امین را دید و در این نگاه نه خطا رفت و نه منحرف شد و مقداری از آیت‌های بزرگ پروردگار را نیز دید.^۱

خداوند متعال در این سوره مطالب مربوط به معراج را با سوگند خویش به ستارگان آغاز فرموده است ستارگانی که هر کدام در مدار خویش در عالم وجود در حال حرکت می‌باشند. معنای ظاهری نجم در آیه ستاره است ولی در کتب روایی و در لغت تأویل و تفسیرهایی از معنای باطنی نجم بیان شده است که مواردی از آن بیان می‌شود.

۱. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۸۳، آیت اله سبحانی

۱. زیبائی نجم در رسول الله

علی بن ابراهیم در تفسیر خود روایت کرده است مراد از نجم رسول خداست و «اذا هوی» اشاره دارد به آن موقعی که به سوی آسمان بالا برده شد^۱ و بنابر تأویل معنی آیه این گونه است قسم به پیامبر (ص) هنگامی که در شب معراج به سوی ملکوت آسمان بالا برده شد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «فی الاصل کنانجوما یستضاء بنا» ما در آفرینش ستاره درخشانی بودیم که از نور ما راه را تمیز می‌دادند.

شیخ نورالدین آذری می‌گوید:

چنانکه هست فلک را دوازده تمثال	که آفتاب بر آن دور می‌زند مه و سال
بر آسمان ولایت دوازده برج‌اند	چو آفتاب نبوت همه بر اوج کمال
ستارگان سپهر ولایت ائمه‌اند	که در امان ز نقصان احتراق و وبال
ز آفتاب نوبت صدور این انجم	مثال صورت تفصیل آمد از جمال ^۲

زیبائی عصمت

در این سوره به حقیقت عصمت پیامبر (ص) چه قبل از بعثت و چه بعد از آن اشاره شده است که پیامبر (ص) در دوران عمر خویش هرگز مرتکب خطا و گمراهی نشده است از جاده حق و حقیقت منحرف نگشته و به راه کج نرفته است. با آنکه چهل سال در میان مشرکین زندگی کرد و لیکن به بیراهه نرفت. همیشه راستگو بود، امین مال مردم بوده و هرگز به بتخانه‌ای پا نگذاشت.

خداوند متعال در تأیید داشتن ملکه عصمت پیامبر (ص) در آیه دوم این سوره می‌فرماید: «و ما ضل صاحبکم و ما غوی» هرگز دوست شما حضرت محمد (ص) منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است غوی که به معنی گمراهی و به دنبال هوس بودن است ظاهراً

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۳۳، علی ابن ابراهیم

۲. تفسیر جلاء الاذهان، ج ۹، ص ۲۴۴، جرجانی

گمراهی پیوسته به نومی‌دی است و بیشتر در گمراهی معنوی استعمال می‌شود نه در گمراهی برونی و ظاهری به همین جهت به ما ضل که در این آیه به فعل ماضی آمده است استدلال کرده‌اند که پیامبر(ص) قبل از برگزیده شدن از طرف خدا به پیامبری نیز در عقیده و عمل در محمد و سهو در کبیره و صغیره قبل از بلوغ و بعد از بلوغ قبل مسئولیت و بعد از مسئولیت دارای ملکه عصمت بوده است و این ردی بر قول مشرکان است که این طرف و آن طرف شایع می‌کردند او مجنون است و رد بر قول کسانی است که می‌گفتند او شاعر است.

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه قرآن می‌فرماید:

«ما ضل فی علی و ما غوی» خداوند می‌فرماید: پیامبر(ص) در حق علی خطا نکرده و گمراه نگشته است و به دلخواه خود درباره علی(ع) سخن نمی‌گوید. چون یکی از موضوعاتی که پیامبر پس از معراج بیان کرد امامت و جانشینی علی(ع) بوده است.^۱

نفی هواپرستی پیامبر(ص) در ماجرای معراج

«و ما ینطق عن الهوی ان هو الا و حی یوحی»

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده است نیست.

هوا که به معنی هوس، میل آرزو و خواهش می‌باشد اعم است از هوای نفس و هوای عقل که هر دو در سراسر زندگی پیامبر به خصوص در وحی، نفی شده است.

تقرب پیامبر(ص) به خداوند

یکی از معیارهای ارزش‌های الهی تقرب است و پیامبر اکرم(ص) به علت خلق عظیم در رفتار کریمانه‌اش به مقام بالای تقرب رسیده بود که نزدیک‌ترین خلایق به خدا محسوب گردید و آنقدر نزدیک بود که در شب معراج وقتی به آسمان رفت جبرئیل مرتب می‌گفت

۱. تفسیر صافی، ملاحسن کاشانی، ج ۵، ص ۸۵

جلوتر برو ای محمد(ص) برو که در جایی قدم نهاده‌ای که نه هیچ ملک مقرب قدم نهاده و نه هیچ رسول مرسل و معلوم است که اگر روح و جان آن حضرت نمونه‌ای از آن عالم نبود هرگز نمی‌توانست به آنجا برسد و در نزدیکی و تقرب به خدا به حدی برسد که خدای تعالی درباره‌اش فرمود: «ثم دنا فتدلي و قاب قوسين اوادتي» آنگاه به مقام قرب نزدیک شد و به تواضع افتاد و اینقدر نزدیک شد که کمتر از دو قوس قرار گرفت.

حدیثی در امالی شیخ طوسی هست که بیان می‌کند پیامبر(ص) فرمود: «وقتی پروردگار مرا به آسمان‌ها برد چنان به مقام قرب رسیده بودم که میان من و خدا به اندازه دو کمان یا نزدیک‌تر بود.»^۱

در خطبه حضرت سجاد(ع) که در مسجد اموی توسط آن امام بزرگوار ایراد گردید اشاره به این جایگاه پیامبر(ص) شده است منم فرزند کسی که برتری یافت تا از سدرۃالمتهی گذشت و به مقام پروردگار رسید.

مرحوم صدوق در علل الشرایع از هشام بن حکم از امام موسی بن جعفر(ع) نقل کرده است که امام می‌فرماید: «فلما أُسري بالنبي و كان من ربه كقاب قوسين اوادني رفع لله حجاب من جحیه» هنگامی که پیامبر به معراج برده شد و فاصله او از ساحت قدس پروردگارش به اندازه قوسین یا کمتر بود حجابی از حجاب‌ها از برابر دیدگان او برداشته شد یعنی تقرب را تفسیر نموده‌اند به اینکه پیامبر(ص) همه چیز را دانست و به مرحله حق‌الیقین رسید^۲ و تعبیر قاب قوسین کنایه از نهایت نزدیکی است.

به نظر می‌رسد چیزی که سبب شده غالب دانشمندان روی برتابند و مسئله معراج برای آنان قابل فهم نشود این بوده است که معراج بوی جسم بودن خداوند می‌دهد و وجود مکان برای او تصور می‌شود. در حالی که مسلم است او نه مکانی دارد نه جسمی

۱. امالی، شیخ صدوق، ص ۳۵۲ و بحار ج ۱۸، ص ۴۰۶.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۴۹.

«لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار» چشم‌ها او را نمی‌بیند و او همه چشم‌ها را می‌بیند
 «اینما تولوفنم وجه الله» به هر سو نگاه کنید خدا آنجاست
 «و هو معکم این ما کنتم» هر کجا باشید او با شماست.

و نیز شاید مجموع این مسائل سبب شده که بعضی از مفسران از تفسیر این آیات اظهار
 عجز و ناتوانی کنند و بگویند این از اسرار غیب است که از همه ما پوشیده و پنهان است
 می‌گویند از یکی از دانشمندان تفسیر این آیات را پرسیدند گفت جایی که جبرئیل ما ناتوان
 گردد من کیم که قادر به درک این معنی باشم.

ولی با توجه به این که قرآن کتاب هدایت است و برای تفکر و تدبّر و تذکر انسان‌ها نازل
 شده باشد قبول این معنی نیز مشکل است که آیتی از جانب خداوند نازل شده باشد که کسی
 را توان فهم آن نباشد.

اما اگر آیات را به معنی یک نوع شهود و قرب خاص معنوی تلقی کنیم تمام این
 مشکلات برطرف خواهد شد توضیح اینکه بدون شک رویت جسمی در مورد خداوند نه در
 دنیا نه در آخرت امکان‌پذیر نیست چرا که خداوند لازمه مادی بودن است. همچنین لازمه آن
 تغییر و تحول و فسادپذیر بودن و نیاز به زمان و مکان داشتن است و ذات واجب‌الوجود از حد
 این امور مبرا است.

خداوند را از طریق دل و عقل می‌توان مشاهده کرد و این همان است که امیرالمؤمنین(ع)
 در پاسخ (ذعلب یمانی) به آن اشاره فرمود: «لا تدرکه العیون همشاهده العیان و لکن تدرکه
 القلوب بحقایق الایمان» جسم‌ها با مشاهده حسی هرگز او را ندیده ولی دل‌ها با حقیقت ایمان او
 را دریافت نمودند.

زیبائی‌های دید باطنی

نگاه درونی و باطنی برد و قسم است یکی نگاه عقلی است که از طریق استدلال حاصل شود و دیگری نگاه شهودی که درکی مافوق درک عقل و دیدی ماوراء دید عقل و استدلال است این مقام را مشاهده می‌گویند.

اما مشاهده‌ای با دل و از طریق درون این مقامی است که برای اولیاءالله با تفاوت مراتب و سلسله درجات رخ می‌دهد و درک این مقام برای کسانی که به آن نرسیده است بسیار مشکل است و می‌توان گفت پیامبر (ص) اگر چه به مقام شهود رسیده بود و با زیبائی‌های معراج به مقام شهود کامل رسیدند. مولوی این قسمت از زیبائی‌های معراج را چنین سروده است:

از جمادی مردم و نامی شدم	و ز نما مردم به حیوان سر زدم
مردم از حیوانی و آدم شدم	پس چه ترسم کی ز مردن کم شوم
حمله دیگر بمیرم از بشر	تا برآرم از ملائک بال و پر
بار دیگر از ملک پرآن شوم	آنچه آندر وهم ناید آن شوم

سعدی نیز بیان می‌کنند:

طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت	به در آی تا ببینی طیران آدمیت
رسد آدمی به جای که بجز خدا نبیند	تو ببین که تا چه حد است مقام آدمیت

این مقام بزرگی است که هیچ پیامبری و هیچ فرشته‌ای به آن دست نیافت جز پیامبر اسلام (ص) و هیچگاه با پیشرفتهای علمی و فنی کسی بآن نمی‌رسد نکته مهم این است که این قرب زمانی اتفاق می‌افتد که انسان در مقام فنا قرار گیرد. فاصله فکر و نفس حرکت و فصل، اعتقاد و عمل از میان برداشته شود فقط چشم به رحمت الهی دوخته شود و همواره خویشتن را به خدا نزدیک ببیند و تنها قدرت خداوند را کارگشای خود بداند اینجاست که محبت پیغمبر به لطف و عنایت آفریدگار یکتا به اندازه‌ای محکم و استوار می‌شود که خواست هر دو یکی

می‌باشد هر چه را پیغمبر بپذیرد خداوند هم آن را پذیرفته هر چه را پیامبر رد کند معلوم است که آن چیز نزد خدا مردود بوده است خشنودی محمد خشنودی خدا و نارضایتی او نارضایتی خداوند است که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: **من احبکم فقد احب الله و من ابغضکم ابغض الله** کسی که شما را دوست دارد خداوند را دوست داشته است و کسی که با شما دشمنی دارد با خدا دشمنی داشته است.

زیبائی‌های معراج در آیات دیگر قرآنی

علاوه بر آیات ذکر شده در سوره اسراء و سوره نجم در سوره‌های دیگر قرآن مجید آیاتی وجود دارد که بر طبق روایات این آیات به گونه‌ای با مسئله معراج ارتباط دارند این آیات اگرچه به صورت تدرجی نازل می‌شد و در موضوعات دیگر سخن گفته است ولی حقیقت آن در شب معراج نیز بر آن حضرت بیان شده است

جذابیت مشاهده حکومت مطلقه خداوند

سوره انعام^۱:

«وَكذلك نري ابراهيم ملكوت السموات و الارض و ليكون من الموفتين» و این چنین آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا به آن استدلال کند و اهل یقین گردد.

منظور این است که ای محمد(ص) همچنین که آیات خود را به تو نمایانندیم به ابراهیم نیز آثار قدرت خود را نشان دادیم در آنچه آفریده‌ایم از خورشید و ماه و ستارگان و آنچه در زمین است از دریا و آب و باد تا استدلال کند به آن‌ها بر کمال قدرت تامه خداوند.

امام صادق(ع) فرمودند:^۲

برای حضرت ابراهیم پرده برداشته شد به طوری که هر چه در آسمان و زمین بود مشاهده کرد و همچنین حرکت جذاب برای پیامبر اکرم(ص) و ائمه(ع) انجام شد با این تفاوت که

۱. آیه ۷۵

۲. معراج پیامبر(ص) علیرضا زکی زاد ص ۵۴

برای حضرت ابراهیم فرمودند: «كشفت لابراهيم السماوات و كشف له الارض» «و كذالك نري ابراهيم» و براي پیامبر اسلام (ص) عند سدرۃ المنتهی عندها حبه الماوي.....«لقد رأی من ایات ربه الكبیري»

سوره یونس آیه ۹۴:

سؤال از پیامبران قبل از پیامبر اسلام (ص)

شک و تردید در انبیا و معنا و مفهومی ندارد ولی فرمان خداوند برای تاکید است و اراده خداوند این است که اصرار داشته باشد به پیامبران و پیروانشان حقایق را معرفی کند. «فان كنت في شك مما انزلنا اليك فستل الذين يقرون الكتاب من قبلك لقد جاءك الحق من ربك فلا تكونن من الممترین» و اگر در آنچه بر تو نازل کرده‌ایم تردیدی داری از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می‌خواندند پرس به یقین از طرف پروردگارت به تو رسیده است بنابراین هرگز از تردیدکنندگان مباش.

منظور از کسانی که کتاب آسمانی را می‌خواندند، انبیا قبلی هستند که پیامبر باید از آنها سؤال کند و زمانی می‌تواند این سؤال عملی شود که پیامبر اکرم پیامبران را ملاقات کند و آنهم در شب معراج است.

امام صادق (ع) فرمودند: چون رسول خدا به معراج رفت جبرئیل برای او براق را آورد رسول گرامی اسلام به بیت المقدس رفت و در آنجا با پیامبران دیدار کرد و سپس به آسمانها رفت و در آنجا نیز با پیامبران ملاقات داشت و زمانی که برگشت فرمود: بین راه مکه و بیت المقدس با کاروان ابی سفیان برخوردیم شخصی از آنها گم شده بود و درصدد پیدا کردنش بودند.

«لما أُسري برسولِ الله (ص) اتاه جبرئيل بالبراق فركبها فأتى بيت المقدس فلقي من لقي من اخوانه من الانبياء»^۱

۱. روضه کافی ۳۶۴ و تفسیر مجمع انبیا مرحوم لبرسی ج ۵ ۲۰۹

درخت زیبای طوبی

در شب معراج هنگامی که پیامبر اکرم داخل بهشت شدند درختی را دیدند بسیار زیبا و با برگ‌های بزرگ و زیورالات بسیار که به آن آویزان بود شاخه‌های این درخت در خانه‌های بهشتیان نمایان بود سؤال کردند این چه درختی است جبرئیل گفت: «هذه طوبی لك و لكثیر من امتك»

این درخت طوبی است و خوشا به حال تو و بسیاری از امت تو. در این خصوص آیه‌ای در قرآن داریم که بحث طوبی را بیان داشته‌است.

«الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مناب»^۱

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کردند طوبی از آن‌ها (خوشا به حالشان) و خوش سرانجامی دارند

در شب معراج پیامبر(ص) نشستی با پیامبران قبل از خود را داشته‌است گروهی پنداشته‌اند تلاش می‌کنند تا معراج پیامبر را در انزوا قرار دهند در حالی که بخش اعظم اعتقادات ما در بحث معراج خلاصه شده‌است و عمده حرف‌های ما در بحث اعجاز و امور خارق‌العاده در معراج پیامبر نهفته‌است بدیهی‌است برای دستیابی به این حقیقت هم به تلاش و اجتهاد علمی نیاز است و هم به کوشش و جهاد عملی هم به لطافت‌ها و آرایه‌های هنری که نزد حکیمان این امر پذیرفته شده‌است و پیامبر اکرم که علاقمند پرسش و گفتگو با اهل دانش و حقیقت هستند بدنبال فرصت بودند تا در معراج از پیامبران سئوالاتی را پرسش کنند یکی از آیانی که اشاره به این حقیقت دارد این آیه است.

«و سئل من ارسلنا من قبلك من رسلنا اجعلنا من دون الرحمن الهة یعبدون»^۲

ای پیامبر از رسولانی که قبل از تو فرستادیم پرس آیا غیر از خداوند رحمان معبودهای برای پرستش آن‌ها قرار دادیم.

۱. سوره رعد آیه ۲۹

۲. سوره زخرف، آیه ۴۵.

بنابر قول زهری و سعید بن جبیر و ابن زید این آیه در شب معراج نازل شده است.^۱ در تفسیر منهج الصادقین آمده است که عبدالله مسعود نقل کرده است رسول خدا (ص) فرمود چون شب معراج مرا به آسمان بردند و پیغمبران را جمع کردند من با ایشان نشستم و فرشته‌ای آمد و گفت: خدای تعالی می‌گوید از این پیامبران پرس که برای چه مسئولیتی فرستاده شده‌اند؟

رسول خدا (ص) سؤال کرد شما پیامبران بر چه چیزی مبعوث شده‌اید؟ همگی گفتند ما را بر ولایت تو و علی بن ابیطالب فرستادند و بر شهادت اینکه خدای جز خدای یکتا نیست. بنابراین آیه قرآن مورد بحث نیز بیان کنند این است که اتفاقات شب معراج را بازگو می‌کند.

داستان نافع بن ازرق

علامه مجلسی در بحار الانوار داستانی را تعریف می‌کند که بدین قرار است: ابن ربیع روایت می‌کند در خدمت امام باقر (ع) در سفر حج بودیم هشام بن عبدالملک نیز با عده‌ای آمده بودند که نافع بن ازرق نیز با آنها بود مردم دور امام باقر (ع) را گرفته بودند و سؤال می‌کردند امام باقر (ع) نیز جواب می‌دادند نافع از هشام اجازه گرفت که او هم برود از امام باقر سؤالی را داشته باشد هشام اجازه داد و نافع آمد سؤال کرد حضرت عیسی چند سال قبل از پیامبر اسلام بودند امام فرمودند ششصد سال نافع سؤال کرد پس معنای این آیه چیست که به پیامبر گفته‌اند سؤال کن از پیامبران قبلی. کدامیک از پیامبران را مشاهده نموده‌است.^۲ تا از آنها سؤال نماید وقتی فاصله حضرت عیسی تا پیامبر ششصد سال باشد چگونه می‌تواند پرسش کند امام باقر (ع) در جواب او ابتدا آیه اول سوره اسراء را خواندند «سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» و پس از آن فرمودند از آیاتی که پروردگار

۱. ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم دکتر میر باقری، ج ۲۲، ص ۲۳۲

۲. سوره زخرف آیه ۴۵

عالم در شب معراج به پیغمبرش نشان داد آن بود که در بیت معمور تمام پیامبران را جمع نمود آنگاه خطاب نمود از جمیع پیغمبران سؤال کن چه چیز پرستش می‌کنید تا آنان شهادت دادند جز خدا کسی را پرستش نمی‌کنند و گواهی بر رسالت تو می‌دهیم و اقرار بر ولایت علی ابن ابی طالب داریم. نافع گفت راست فرمودید سوگند به خدا شما ائمه اوصیاء پیغمبر اکرم هستید. در تورات و انجیل و زبور اسامی شما نوشته شده است.^۱

زیبائی‌های معراج از زبان راویان

از صحابه پیامبر اکرم(ص) عده زیادی داستان معراج را خبر داده‌اند که بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از: علی ابن ابی طالب، ابوسعید خدری، ابویوب انصاری، جابر بن عبدالله انصاری، انس بن مالک، ابوهریره، عبدالله بن مسعود، عمر بن خطاب، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، ابن ابی کعب، سمره ابن جندب، حذیفه بن یمان، سهل بن سعد، ابوالدرداء، ام‌هانی، ام سلمه، عایشه، اسما و دختر ابوبکر، اگرچه با اختلافات جزئی مسئله معراج را بیان کردند اما همگی اتفاق نظر دارند که پاره‌ای از شب پیامبر(ص) به آسمان‌ها رفت و آیات بزرگ الهی را مشاهده کردند دستورات الهی را بصورت مستقیم شنیده و به جایگاه اولیه خویش در زمین بازگشتند.

مجموعه زیبائی‌های معراج

سخن درباره معراج مهم و فراوان است و مجموعه‌ای از زیبائی‌ها را تشکیل داده است و برای ما از زبان روایات یادگاری‌های جذابی بجا گذاشته است. روایات و احادیثی که می‌توان با آن‌ها اطمینان پیدا کرد و بر صحت آن‌ها یقین پیدا کنیم چون در حد تواتر است مانند اخباری که اصل سیر دادن پیامبر(ص) را بیان داشته گاهی اصل معراج بیان شده و در مواردی سخنان و موعظه‌های خداوند به پیامبر اکرم است که با خطاب یا احمد بیان شده است.

۱. بحار الانوار، مرحوم مجلسی، ج ۱۰، ص ۱۵۸

درباره اصل معراج از امام صادق (ع) است که فرمود:

«من انكر ثلاثه اشياء فليس من شيعتنا، المعراج و المسأله القبر و الشفاعه»^۱

کسی که سه موضوع را انکار کند از شیعیان ما نیست.

۱. معراج پیامبر اسلام (ص) ۲. سؤال در قبر ۳. شفاعت

امام رضا (ع) در ضمن گفتاری مفصل و ارزنده مسائل مهمی را از نشانه‌های ایمان معرفی

فرمودند و از جمله این مسائل اقرار به رجعت و اعتقاد به معراج را مطرح نمودند.^۲

روایاتی که پیامبر (ص) زمان معراج از خطابات خداوند بیان می‌کند عبارت‌اند از:

۱. رسول خدا فرمود: «خداوند می‌فرماید: خلقت الاشياء لاجلک و خلقتک لاجلی» همه

موجودات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم خلق کردم

۲. ای احمد همانند کودکان مباش که سبز و زرد و زرق و برق را دوست دارند

هنگامی که غذایی شیرین و لذت بخش را به آن‌ها می‌دهند مغرور گردند و همه چیز

را فراموش کنند.

ای احمد محبت من محبت به محرومان است به آن‌ها نزدیک شو و در کنار مجلس آن‌ها

قرار گیرد تا من به تو نزدیک شوم

ای احمد عبادت دارای نه جزء است که نه جزء آن طلب حلال می‌باشد.

در روایتی پیامبر اکرم (ص) بیان می‌کند که در شب معراج سؤال کردم؟

«یا ربّ ای الاعمال افضل؟» پروردگارا کدام کار بهترین کار است؟

خداوند در جواب فرمود:

«هیچ چیز نزد من برتر از توکل نیست. ای محمد محبت من شامل حال کسانی از مردم

می‌شود که همدیگر را دوست داشته باشند و ای محمد زندگی گوارا آن است که صاحب آن

لحظه‌ای از یاد من غافل نماند و نعمت‌های مرا فراموش نسازد.

۱. امالی، صدوق، ص ۱۷۷، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۷

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۹۷

در حدیثی که پیامبر(ص) از ماجرای معراج بیان کردند این بود که پیامبر(ص) فرمودند در زمان معراج دیدم بر در بهشت با طلا نوشته شده بود: «لا اله الا الله محمد حبیب اله علی ولی الله فاطمة امة الله الحسن و الحسين صفوة الله» معبودی جز خدای بی‌همتا نیست محمد دوست خدا، علی ولی خدا، فاطمه کنیز خدا حسن و حسین دو برگزیده خدایند.^۱

وسایل جذاب و زیبای حرکت برای معراج

موجودات عالم بالا در آسمان شور و غوغایی به پا کرده بودند ماه با طنزازی دل‌انگیزی در اقیانوس بیکران ظلمت شناور گردیده بود و پرتو ملایم و نقره گونش سینه امواج تاریکی را می‌شکافت. اختران شب تاب گروه گروه با جلوه‌ای خاص در آسمان پدیدار می‌شدند و با فروغ دلربایی به زمینیان گرفتار در آن ظلمات چشمک می‌زدند گاهی لکه ابر زودگذری پدیدار می‌شد و آن منظره زیبا را در خود پنهان می‌کرد ولی تابش برقی که از آن می‌جهید و غرشی که به گوش می‌رسید ظلمت و سکوت شب را در هم می‌شکست و خواب خوش را از مردم مکه می‌ربود. تاریکی شب افق را فرا گرفته بود و خاموشی در تمام نقاط حکم می‌کرد هنگام آن رسیده بود که جانداران در خوابگاه‌های خود به استراحت پردازند و برای مدت محدودی چشم از مظاهر طبیعت ببوشند و برای فعالیت روزانه خود تجدید قوا کنند.

پیامبر بزرگ اسلام نیز از این ناموس طبیعی مستثنی نبود او می‌خواست پس از ادای فریضه به استراحت پردازد ولی یک مرتبه صدایی آشنا به گوشش رسید به دنبال طنین آهنگ صدا جبرئیل را دید که وی را برای آغاز سفری بزرگ و پر رمز و راز فرا می‌خواند.

مژده بده مژده بده یار پسندید مرا	سایه او گشتم و او برد به خورشید مرا
پرتو دیدار خوشش تافته در دیده من	آینه در آینه شد دیدمش و دید مرا
جان دل و دیده من گریه خندیده منم	یار پسندیده منم یار پسندیده مرا

۱. خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۵۷.

معراج پیامبر اکرم (ص) شبانه از مکه به مسجدالاقصی در بیت‌المقدس بوده است و این سفر در یک شب و مدت کوتاهی انجام شد جمله اسری در لغت عرب به معنی سیر شبانه است به علاوه کلمه لیلاً نیز دلالت بر شبانه بودن این سفر می‌کند و اگر اثبات شد که جسمانی نیز بوده است که کلمه عبد در آیه مشخص می‌شود که در بیداری بوده است بنابراین این سفر مرکب می‌خواهد آنهم یک مرکب ویژه که از نظر سرعت و گرمایش و سرمایش و امنیت قابل اطمینان باشد لذا از زبان پیامبر (ص) بیان شده است که فرمود:

من در مکه بودم جبرئیل نزد من آمد و گفت ای محمد برخیز من ایستادم ناگاه میکائیل و اسرافیل که از ملائک مقرب هستند را دیدم جبرائیل مرکبی را آورد که نامشرا براق گفتند نزد من آورد این مرکب سفید رنگ بود گونه‌های همچون گونه‌های انسان داشت و یالش همچون یال اسب و دست و پایش مانند دست و پای شتر بود زین بسیار زیبایی بر پشت آن قرار داشت جبرائیل به من گفت سوار شو من بر براق سوار شدم از مکه خارج شدم و به بیت‌المقدس رسیدم.^۱

عجبا این حرکت زمانی بود که تاریکی شب افق را فرا گرفته بود و خاموشی در تمام نقاط حکم می‌کرد هنگام آن رسیده بود که جانداران در خوابگاه‌های خود به استراحت پردازند و برای مدت محدودی چشم از مظاهر طبیعت بپوشند و برای فعالیت روزانه خود تجدید قوا کنند صدای آشنائی را می‌شنود که امشب سفر دور و درازی را باید بیمائیم مرکب فضا پیما آورده‌ام از خانه‌ام‌هانی دختر ابوطالب حرکت می‌کنیم و در مدت کوتاهی در مسجدالاقصی پائین می‌آئیم زادگاه مسیح و سایر منازل انبیاء و آثار آن‌ها را دیدن می‌کنیم و در محله‌های مقدس نماز می‌خوانیم سپس دور دوم سفر از برنامه تعیین شده را آغاز می‌کنیم و من در خدمت شما ستارگان و نظام جهان را مشاهده می‌کنیم و از مراکز رحمت و عذاب بازدید می‌آوریم از رموز هستی و اسرار جهان و وسعت عالم خلقت آگاهی بیشتری

پیدا می‌کنیم و در تمامی این برنامه و پروژه عظیم سخن از تنزیه خدا و عنایت او و قدرت ربوبی او در این حرکت مطرح است و پیامبر(ص) را با جسم و روح به دیدن دیدنی‌ها دعوت می‌نماید و از او می‌خواهد که در بازگشت برای خاص و عام بیان کند و توجهی به ناباوران و دروغ پردازان نداشته باشد چه اینکه بعدها عده‌ای باور نداشتند.

در تفسیر نور آمده است معراج مقدس‌ترین سفر در طول تاریخ است چرا که مسافرش پیامبر اسلام(ص) فرودگاهش مسجدالحرام، گذرگاهش مسجدالاقصی، میزبانش خدا، هدف آن دیدن آیات الهی، سوغاتی‌اش اخبار آسمان‌ها و ملکوت و بالا بردن سطح فهم بشر از این دنیای مادی بوده است.^۱

بر اساس روایات، پیامبر اسلام(ص) یک سال قبل از هجرت یعنی سال دوازدهم بعثت پس از نماز مغرب در مسجدالحرام در شب دوشنبه بوده است و گفته شده در رفت و برگشت به وسیله براق بوده و چون بازگشت نماز صبح را در مسجدالحرام خواند^۲ ولی عده‌ای نیز گفته‌اند سفر زمینی با براق بوده است و سفر آسمانی با مرکبی به نام «رفرف» که مرکب مرموز و ناشناخته‌ای و حداکثر سرعت را داشته و می‌توان گفت بیش از سرعت نور از مرکز جهان دور می‌شود و این مطلب مانع عقلی ندارد و از طرفی این حرکت یک حرکت خارق‌العاده بوده است مرکب آن نیز باید خارق‌العاده باشد در کتاب المنجد رفر ف را می‌گویند پرنده‌ای که مانند صوت حرکت کند.^۳

۱. تفسیر نور، ج ۷، ص ۱۴.

۲. بحار، ج ۱۸، ص ۳۸۹.

۳. المنجد، ص ۲۷.

نظرگاه اندیشمندان از زیبایی‌های معراج

ادله‌ای از کتاب الهی و فرمایشات ائمه معصومین درباره زیبایی‌های معراج به اثبات رسید در این قسمت گفتاری چند از شخصیت‌های اسلامی را یادآور می‌شویم تا معلوم شود که در بین مسائل ضروری اسلامی کمتر مسئله‌ای است که مانند اصل معراج به طور فشرده همگی در آن این گونه اتفاق نظر و هم‌رأیی نشان داده باشند.

اختلافی که در میان سخنان دانشمندان هست در چگونگی و کیفیت معراج به اصل بحث ما ضرری وارد نمی‌سازد در میان کتب دانشمندان بزرگ شیعی در مورد معراج بسیار سخن گفته شده است در اینجا به سخن چند تن از این بزرگان اشاره می‌کنیم.

حضرت عبدالعظیم حسنی متوفای ۲۵۰ هجری

حضرت عبدالعظیم چهار سال قبل از شهادت امام هادی (ع) از دنیا رفته‌اند و خود یکی از بزرگان علمای نامدار امامیه می‌باشند می‌گوید:

خدمت امام دهم حضرت هادی (ع) شرفیاب شدم پس از خوشامدگویی به من فرمود: حقاً تو از دوستان ما هستی، عرض کردم خدمت شما رسیده‌ام نامعتقدات دینی‌ام را به شما عرضه بدارم که اگر خوب بود تا دم مرگ بر آن پایدار بمانم حضرت اجازه داد. گفتم: به راستی از روی اعتقاد می‌گویم قطعاً خداوند تبارک و تعالی یکتا است و همتایی ندارد و می‌گویم:

قطعاً معراج درست است و حقیقت دارد و پرسش در قبر حق است و بهشت و جهنم، صراط و میزان حق است امام (ع) در تصدیق معتقدات من فرمود: به خدا سوگند این دین و عقیده‌ای است که پروردگار آن را برای بندگانش پسندیده است بر آن پایدار باش.^۱

۱. امالی، صدوق، ص ۳۳۹، و بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۶.

دیدگاه شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ هجری

گروهی از شاگردان شیخ صدوق خدمتش رسیدند و درخواست نمودند آئین‌نامه دینداری چیست؟

در پاسخ به این درخواست فرمود: اقرار کند به یکتائی خداوند متعال و اقرار کند به آفرینش بهشت و جهنم و اقرار کند به این که پیامبر(ص) به معراج برده شد تا به آسمان هفتم و از آنجا به سدره المنتهی و از آنجا تا حجاب‌های نور و در آنجا خداوند با وی رازگویی نموده و این که این عروج به وسیله جسم و روح او بوده و در حال کمال صحت و واقعیت بوده نه در خواب و این عروج موجب افزایش شخصیت و مقام آنجناب بوده و ملکوت آسمان‌ها را باو نشان داد و آیات و علامت‌ها را بر فراز آسمان‌ها مشاهده نماید.^۱

دیدگاه شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری)

شیخ مفید در کتابی که مخالفت‌های گروه معتزله با عدلیه را برشمرده گوید: «بیشتر معتزلیان اعتقاد به معراج را نادرست می‌دانند و فکر می‌کنند که صحنه‌ای بوده که در عالم خواب اتفاق افتاده است. بلکه پیامبر(ص) در حالت بیداری با جسم و روح در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان به معراج رفت یعنی به آسمان‌ها رفت برای مشاهده ملکوت رفت و عجیب بوده که حضرت عیسی بن مریم نیز در همان شب به آسمان‌ها رفته است و باز نقل شده است که حضرت موسی بن عمران نیز در همین شب از دنیا رفته است.»^۲

دیدگاه شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هجری)

در تفسیر تبیان که شیخ طوسی نوشته است در تفسیر اولین آیه از سوره اسراء گوید: به عقیده تمامی اصحاب ما و بیشتر اهل تأویل مسئله معراج حتمی و مسلم است بدین معنا که

۱. امالی، صدوق، ص ۶۴، و بحار الانوار ج ۱۰، ص ۳۹۳.

۲. تفسیر تبیان، ج ۴، طوسی ص ۴۴۶.

پیامبر (ص) در آن شب معین و به یادماندی به سوی آسمان بالا برده شده تا آن که در آسمان هفتم به سدره‌المنتهی رسید و خداوند از آیات و آسمان‌ها و زمین به اندازه‌ای که معرفت وی به سبب آن افزوده شود به وی نشان داد.^۱

دیدگاه شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸)

شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان در تفسیر آیه اول سوره اسراء می‌فرماید: «وقد وردت روایات کثیره فی قصه المعراج فی عروج نبینا (ص)»^۲

روایات زیادی وارد شده است که ماجرای معراج آسمانی پیغمبر (ص) به تفصیل بازگو می‌نماید بسیاری از یاران پیامبر (ص) مانند ابن عباس، ابن مسعود، جابر بن عبدالله این گفتگوها را از پیشوای بزرگ اسلام نقل کرده‌اند و در بعضی از روایات مطالب را بسیار توضیح داده‌اند و در بعضی دیگر بطور اجمال بیان شده است فقط می‌توان گفت این معراج با جسم و روح انجام شده است و این حرکت یقینی است و از ضروریات اسلام و در تفسیر سوره نجم می‌فرماید: «مشهور در اخبار ما این است که خداوند پیامبر را با همین جسم در حال بیداری و حیات به آسمان برد و اکثر مفسران بر همین عقیده هستند.»^۳

دیدگاه ابوالفتوح رازی (متوفای ۵۵۲)

ابوالفتوح پس از آنکه مباحث ارزشمند و زیبایی‌های معراج را از چند قول نقل می‌نماید می‌گوید: «و آنچه درست است آن است که رسول گرامی اسلام (ص) را به آسمان بردند به نفس و تن او و آسمان‌ها را و آیاتی که در آن است را به او عرضه کردند و او تمامی آنچه در فضا بود مشاهده کرد و با دیدن بهشت و دوزخ حقایق را که قبلاً اعتقاد داشت بر خود حق‌الیقین نمود و گفتگوها با ملائک و پیامبران بی‌شماری داشت و درس‌ها آموخت و

۱. همان.

۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۶، ص ۹۰۹.

۳. تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۶۴.

دستورالعمل‌هایی دریافت نمود سپس بر زمین برگشت و هر آنچه به عیان دیده بود نقل کرد و بسیاری از دستورات را بازگو کرد.^۱

دیدگاه ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸)

ابن شهر آشوب در کتاب المناقب به داستان معراج که می‌رسد موارد مورد اختلاف معراج را بیان می‌کند و می‌گوید: مردم در مورد معراج پیامبر اکرم(ص) اختلاف نظر پیدا کردند خوارج آن را انکار کردند جهمیة اعتقاد دارند پیامبر(ص) در رؤیا با روح خود به معراج رفت نه با جسم، امامیه و زیدیه و معتزله اعتقاد دارند که تا بیت المقدس با روح و جسم بوده است چنانکه خداوند فرمود: تا مسجدالاقصی او را سیر دادیم و بلکه علاوه بر این سه طایقه دیگران که از دانشمندان شیعه اثنی عشری می‌باشند گفته‌اند: نه فقط تا بیت المقدس به جسم و روح بوده است بلکه تا به آسمان‌ها نیز با همین جسم و روح برده شده است و این نظر برای ما مسلم است.^۲

دیدگاه ملا فتح الله کاشانی (متوفای ۹۸۸)

در تفسیر کبیر منهج الصادقین که مطالب تفسیری را بسیار فشرده بیان نموده است می‌گوید دانشمندان بر این نظر اتفاق دارند که معراج پیامبر اسلام(ص) در سال دوازدهم از مبعث بود و در ماه آن اختلاف دارند که آیا ربیع‌الاول بوده است یا ماه مبارک رمضان یا ماه شوال یا ربیع‌الثانی یا ماه رجب و اشهر این‌ها در شب بیست و هفتم ماه رجب است و رفتن آن حضرت از مکه به بیت المقدس به نص قرآن ثابت شده است و منکر آن کافر است و عروج به آسمان‌ها و وصول به مرتبه قرب با احادیث مشهوره که به حد تواتر ثابت گشته و هر که انکار کنند گمراه است و در قسمت دیگر می‌فرماید: معراج آن حضرت به جسم و روح در بیداری

۱. تفسیر روض الجنان (چاپ آستان قدس رضوی) ج ۱۲، ص ۱۲۹

۲. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۷۶

بوده است و آنان که در این قصه سنگینی جسم را مانع دانسته‌اند از صعود و پرواز از ارباب بدعت هستند و این افراد منکر قدرت خداوند هستند.^۱

دیدگاه ملاصدرا شیرازی (متوفای ۱۰۵۰)

مرحوم ملاصدرا در رساله حدوث چنین بیان می‌کنند: درود و سلام بر شخصیتی که بالاترین درجات انسانی را داراست و واسطه ایجاد روح وجود و حد مشترک بین وجوب و امکان است کسی که با جسم به عالم آسمان عروج کرد تا آنکه به سدرةالمنتهی و جنت مأوی رسید و روح او به عالم اعلی تا قاب قوسین رسید و از جانب خداوند دستورات و احکام جوامع کلام که کمال نبوت و انتصاب وصلی بود رسید و دایره ولایت و سلسله عصمت و امامت تکمیل شد.^۲

سخن فیض کاشانی

در کتاب محجه‌البیضاء می‌گوید: پدیده معراج چنانکه خداوند آن را یاد کرده است و در سوره اسراء و نجم فرموده است و همچنین خود پیامبر هم پس از بازگشت به گونه‌ای شیوا و جذاب از آن خبر داده است که صدق و حقیقت داشتن از آن آشکار است و معجزات آن بیشتر از آن است که بتوان شمرد.^۳

علامه مجلسی و مسئله معراج

مرحوم علامه مجلسی این بزرگ شیعی در چندین جای کتب خود اشاره به پدیده معراج نموده و در مورد زیبایی‌های جذاب آن سخن گفته است که از اهمیت خاص برخوردار است.

۱. تفسیر کبیر منهج الصادقین، ج ۵، ص ۲۳۷.

۲. رسائل ملاصدرا، ص ۳۰.

۳. المحجه‌البیضاء، ج ۲، ص ۲۲۹.

در کتاب بحارالانوار در فصل معراج پیامبر(ص) گوید: تمامی قرائن و دلایل و آیات و روایات که از طریق شیعه و سنی رسیده است بر معراج جسمانی دلالت دارد و به حد تواتر هم رسیده است و انکار و تأویل آن‌ها به عروج روحانی یا به اینکه خواب بوده‌اند از ضعف دین است و از کمبود عقیده و ایمان سرچشمه گرفته است یا گول کلمات فیلسوف نماهایی را خورده‌اند که برای گمراه ساختن دیگران سخنان خود را با اصطلاحات پر زرق و برق می‌آریند گمان نمی‌کنم درباره هیچ یک از اصول مذهب این اندازه اخبار وارد شده باشد ایشان می‌فرمایند عده کمی این حقیقت را باور نکردند و هیچ دلیل محکمی و یا اشکال اساسی بر این مطلب ندارند.^۱

۱. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۸۹.

معراج از دیدگاه اندیشمندان اهل سنت

محمد بن جریر طبری

در تفسیر معروف جامع‌البیان می‌گوید: به نظر ما سخن درست در معراج آن است که قطعاً خداوند بنده خود محمد(ص) را از مسجدالحرام تا به مسجدالاقصی برد و بعد هم به آسمان‌ها و در آنجا نشانه‌های عظمت خود را به او نشان داد و بر هیچ کس روا نیست که از گفته خداوند جلوتر برود پروردگار در قرآن می‌فرماید ما عبد خود را بردیم و با براق هم بردیم اگر روح تنها بود براق نیاز نداشت و این یک اتفاق معجزه‌ای بوده است.^۱

ابن کثیر صاحب تفسیر کبیر

ابن کثیر می‌گوید: خداوند در کارهای بزرگ آیات خود را آورده است اگر خواب بوده است حقیقت بزرگی مطرح نشده است و کفار قریش می‌خواستند از عظمت آن بکاهند آمدند گفتند در خواب بوده است آیا برای خواب آن هم تکذیب نیاز است و برای خواب آنقدر سر و صدا لازم است^۲ و اگر در خواب می‌بود هرگز کسی منکرش نمی‌شد و آن قول بیشتر علما می‌باشد و اعتقاد به آن شایسته است و حدیث اسراء را از بیست تن صحابه‌ای که در گوشه و کنار عالم اسلام بوده‌اند روایت کرده‌اند و در کتاب‌هایی که احادیث را به سند به گویند گانش می‌رسانند آورده شده است. اما آنچه از عایشه و معاویه رسیده که در خواب بوده پذیرفتن سخن آنان درست نیست. ابن کثیر می‌گوید اگر هم صحیح باشد.

حجتی در آن نمی‌باشد زیرا در آن زمان عایشه کوچک بوده و در خانه پیامبر نبوده معاویه هم آنوقت کافر بوده همچنین به خاطر آن که آن دو تن نظر خود را اظهار کرده و به پیامبر نسبت داده‌اند مورد اعتبار نیست.

۱. تفسیر جامع‌البیان، محمدبن طبری، ج ۱۵، ص ۱۳

۲. تفسیر کبیر طبری

دیدگاه انیشتین درباره معراج

آلبرت انیشتین در رساله پایانی عمر خود با عنوان «دی ار کلروننگ» یعنی بیانیه که در سال ۱۹۵۴ مطابق با سال ۱۳۳۳ شمسی که آن را در آمریکا به زبانی آلمانی نوشت اسلام را بر تمامی ادیان جهان ترجیح می‌دهد و آن را کامل‌ترین و معقول‌ترین دین می‌داند. این رساله در حقیقت همان نامه نگاری محرمانه انیشتین با آیت‌الله العظمی بروجردی است که می‌گوید به یاد دارید که آشنائی من با شما از ماه آگوست ۱۹۴۶ یعنی ۸ سال قبل از این نامه بوده است خوب به یاد دارید که گرچه در این راه برای من توفیقی حاصل نشد ولی ثمره آن آشنائی با شما مرد بزرگ بود که هم تاحدی من را از آن اندوه عظیم خلاص نمود. (ماجرای کشف فرمول اتم و جلوگیری از کتشار هیتلر) و هم بالاخره سبب مسلمان شدن پنهانی من شد انیشتین در این رساله نظریه نسبیّت خود را با آیاتی از قرآن کریم و احادیثی از نهج‌البلاغه و بیش از همه از بحارالانوار علامه مجلسی که زیر نظر آیت‌الله بروجردی ترجمه می‌شده است شرح داده‌اند. و نظر خود را شرح داده‌اند که هیچ‌جا در هیچ مذهبی چنین احادیث پر مغز یافت نمی‌شود و تنها این مذهب شیعه است که احادیث پیشوایان آن پیچیده نیست را ارائه داده ولی اکثر دانشمندان نفهمیده‌اند از آن جمله حدیثی است که علامه مجلسی در مورد معراج جسمانی رسول اکرم(ص) نقل می‌کند که هنگام برخاستن از زمین دامن یا پای مبارک پیامبر به ظرف آبی می‌خورد و آن ظرف واژگون می‌شود اما بعد از این که پیامبر اکرم(ص) معراج جسمانی باز می‌گردند مشاهده می‌کنند که پس از گذشت این همه زمان هنوز آب آن ظرف در حال ریختن روی زمین است.

انیشتین این حدیث را از گرانبهاترین بیانات علمی پیشوایان شیعه در زمینه انبساط و نسبیّت زمان دانسته و شرح فیزیکی مفصلی بر آن می‌نویسد. همچنین در این رساله معاد جسمانی را از راه فیزیکی اثبات می‌کند.^۱

۱. آخرین کتاب انیشتین با موضوع بیانیه و نامه نگاری با آیت‌الله العظمی بروجردی، اینترنت

معراج پیامبر (ص) در زیبایی‌های عقل

طرح این بحث تحت عنوان امکان معراج از نظر عقل به خصوص برای کسانی که علاقمند هستند نظرات عقلی در این باره را بررسی کنند مستلزم فراگیری مباحث فلسفی است چرا که برای بعضی افراد که دچار شک و تردید هستند مباحث منطقی و عقلی بر طرف‌کننده مشکل آنان می‌شود چرا که فکر و تعقل آئینه پاکی است که حقیقت را به آدمی نشان می‌دهد اگر عقل و قلب و زبان و اعتقادات با یکدیگر توأم شود خداوند راضی می‌شود و خود انسان نیز آرامش خاطر و رضایتمندی پیدا می‌کند. اگر برهان عقلی بر مسئله معراج اقامه گردد برای کسانی که در اعتقادات ضعیف هستند باعث اطمینان می‌گردد در برنامه‌ها و سخنان خداوند و پیامبر و ائمه حرکتی و سخنی نیست که خلاف عقل باشد.

در هیچ یک از ابواب فقهی موردی یافت نمی‌شود که در آن عقل با قرآن و گفته معصومین ناسازگاری داشته باشد و در بعضی موارد است که اندیشه بشر از درک علت در بعضی موارد ناتوان است که البته این ناسازگاری و تعارض نیست.

در مورد معراج عقل سلیم نه تنها آن را دور از واقعیت نمی‌شمرد بلکه آن را تحسین کرده و می‌ستاید اگر شخصیت والا مقامی در موقعیت مناسبی دوست صمیمیم خود را به جایگاه‌های اختصاصی خود بار دهد از نظر عقل کار خوبی کرده است.

بدون تردید این حرکت پیامبر (ص) که در درگاه خداوند منان از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار و در زمین خلیفه الله بود از نظر عقل کار پسندیده‌ای محسوب می‌شود عقل آن را از الطاف خداوند می‌داند که شامل حال انسان والایی شده است. و چون همه عوالم از آن خداوند می‌باشد عقل نیکو می‌داند که آخر به کار جهان او را در قلمرو فرمانروایی اش بوده و خزائن ملک و ملکوت را به او نشان داده تا پیامبری که عبد صالح او است بتواند همه عظمت را از نزدیک ببیند و اشرف انبیاء باشد و شکل منطق این استدلال بدین صورت است که خداوند قادر بسیاری از امور را به شکل معجزه انجام داده است و معراج پیامبر اگر چه دور از

عقل نیست ولی شکل معجزه مسلم داشته است پس خداوند پیامبر را به معراج برده است که هم توجیه عقلی دارد و هم رنگ معجزه به خود گرفته است.

ایرادی که بعضی بر این دلیل عقلی دارند در دو مرحله است یکی مرحله امکان دیگر در مرحله وقوع در جواب باید بگوییم اینکار محال نبوده است بلکه ممکن بوده و در صورت محال نیز محال ذاتی نبوده است و با قدرت لایزال خداوند متعال ممکن خواهد بود. خداوند مرکبی برای پرواز پیامبرش پدید آورد که او را تاجایی که فاصله‌اش میلیون‌ها سال نوری است برد. در سال ۱۹۸۹ میلادی مطابق با ۱۳۶۸ شمسی فضاپیمای ویجر ۲ سفر ۴۱۴ بیلیون مایلی خود را در منظومه شمسی پیروزمندانه به پایان رساند کسی بر آن اشکال نگرفت و اگر مهم‌تر از این را هم می‌شنید تعجب نمی‌کردند و آن را دور از علم نمی‌دانستند ولی معراج پیامبر(ص) که قدرت نمائی خدا بوده را با طرح ایراداتی به زیر سؤال می‌برند.

چرائی بیت المقدس

محدوده معراج و حرکت آغازین آن از منزل ام‌هانی در مکه و بعد هم بسوی مسجد الاقصی و سمت بیت المقدس بوده است بیت المقدس نام یکی از شهرهای فلسطین می‌باشد که در غرب آسیا و شمال خاورمیانه واقع شده است از نام‌های قدیمی دیگر آن می‌توان به اورشلیم، ایلیا، بلاط و قدشه اشاره نمود که مشهور از آن در زمان فتح مسلمانان ایلیا می‌باشد که بر فراز آن کوه طور بوده است که مسجد الاقصی در همین شهر می‌باشد.

شبی رخ تافته زین دار فانی	به خلوت در سرای ام‌هانی
رسیده جبرئیل از بیت معمور	براقی برق سیر آورد از نور
چو مرغی مکه را ناگه پریده	به اقصی الغایت اقصی رسیده

این معبد بزرگ مورد احترام فرق یهود و نصاری بوده که قبله پیغمبران و منازل و حجره گاه انبیاء سلف بوده است. قریب هزار نفر نبی و رسول و پیامبر برای بنی اسرائیل از عصر حضرت یعقوب تا ظهور پیغمبر خاتم مأموریت داشتند که همه آن‌ها در این منطقه عبادت و فعالیت نمایند در این سرزمین حضرت موسی خیمه عبادت زد و حضرت داود طرح معماری آن را ریخت و بعدها فرزندان آن را بنا کردند.

گوستاولون می گوید: بیت المقدس را ژوستی نین امپراطور روم به نام حضرت مریم ساخت.^۱

آنچه مسجدالاقصی را بلند آوازه نموده است صخره مبدأ عروج پیغمبر اسلام است که تا هم اکنون باقی و مورد احترام است اینجا نخستین جایی است که پیغمبر برای عروج از زمین برداشت از روی این قطعه سنگ بزرگ بود که به آسمان‌ها رفت و فضای بی کران الهی را معرض نمایشگاه خود قرار داد. این سنگ بزرگ در وسط مسجدالاقصی معلق است و مورد بازدید بازدیدکنندگان قرار می گیرد.

در زمان کورش هخامنشی که این سرزمین را تصرف کرد و در اختیار ایرانی‌ها بوده است بازسازی شد و سپس ایرانی‌ها از اسکندر مقدونی شکست خوردند و یهودی‌ها به آنجا بازگشتند و معبد را از نویناد کردند در ابتدای قرن هفتم میلادی خسرو پرویز پادشاه ساسانی بیت المقدس را اشغال کرد اما پس از مدتی در سال ۶۲۹ میلادی هرشل امپراطور روم آنجا را بازپس گرفت.

در سال ۶۳۶ میلادی خلیفه دوم عمر شخصاً به آنجا رفت و با امضای قرارداد صلحی با مردم ایلیا به بیت المقدس راه یافت و از محل معبد سلیمان که از پانصد سال قبل به صورت خرابه‌ای درآمده بود بازدید کرده و دستور داد در آنجا مسجدی بسازند.

۱. تمدن اسلام و غرب، گوستاولون، ص ۱۹۸.

وقتی جنگ‌های صلیبی آغاز شد در پانزدهم ژوئیه سال ۱۰۹۹ میلادی بیت‌المقدس از دست مسلمانان خارج شد و به دست مسیحیان افتاد و مدت هشت سال در دست آنان بود.

در سال ۵۸۳ هجری مطابق با ۱۱۸۷ میلادی صلاح‌الدین ایوبی به آنجا یورش برد و بیت‌المقدس را فتح کرد و آنجا را از لوٹ وجود صلیبی‌ها و راهبان پاکیزه ساخت پس از آنکه مسیحیان را از آنجا بیرون راند فرمان داد بار دیگر مسجد مزبور را تجدید بنا و تعمیر کردند هنوز در یکی از کتیبه‌های محراب این مسجد این نوشته ثبت است که «به فرمان سلطان صلاح‌الدین ایوبی به سال ۵۸۳ ساخته شد» از آن پس تا اوایل قرن بیستم پیوسته در اختیار مسلمانان باقی مانده و هم‌اکنون روزهای جمعه نماز جمعه خوانده می‌شود ولی در موارد از طرف دولت غیر قانونی اسرائیل ممنوعیت‌هایی برای ورود و خروج مسلمانان به این مسجد ایجاد می‌شود. در سال ۱۸۹۶ میلادی تئودور هرترزل طرح ایجاد حکومت یهودی را ریخت و با شعار «کشور بدون مردم برای مردمی بدون کشور» داستان هولاکاست را مطرح کرد و ادعا کرد میلیون‌ها یهودی کشته شده‌اند و دولت صهیونیست‌ها را در دو جا پیشنهاد داد یکی در کشور آرژانتین و دیگری در کشور فلسطین سازمان ملل با ایجاد چنین دولتی در فلسطین موافقت می‌کند و نیمی از سرزمین فلسطین را در اختیار صهیونیست‌ها قرار می‌دهند که اعراب اعتراض می‌کنند و جنگ هشت روزه نیز با آنان داشته‌اند که نهایتاً سازمان ملل طرح صلح را مطرح می‌کنند که قرار می‌شود یهودیان به تدریج از این سرزمین خارج شوند که تاکنون خارج نشده‌اند بلکه به نیمه دیگر فلسطین نیز حمله ور شدند و بسیار از مناطق فلسطینی‌ها را نیز اشغال کرده‌اند که امروزه فقط دو منطقه کوچک از این سرزمین در اختیار مسلمان فلسطین است یکی نوار غزه و دیگری کرانه باختری و علاوه بر این به خارج از مرزهای فلسطین مانند اردن و سوریه و صحرای سینای مصر نیز تجاوز کرده‌اند و این درگیری‌ها همچنان باقی است. و قتل‌عام‌های در دیر یاسین و صبرا و شتیلا انجام داده است.

انتخاب بیت المقدس به خاطر عروج

چرائی آمدن پیامبر (ص) از مکه به بیت المقدس و از آنجا به آسمان‌ها توجیحات فراوانی

دارد؟

۱. وفاق و اتحاد مکتب‌ها

چون این سرزمین مقدس محل پیدایش و بعثت بسیاری از پیامبران الهی بوده مسافرت پیغمبر در یک سفر ملکوتی به آنجا بیان کننده این است که ادیان وفاق نظر دارند و ادیان توحیدی با هم اتحاد دارند و از جانب خداوند مأموریت واحد دارند.

۲. معنوی بودن و دارای احترام بودن و قداست این سرزمین

این منطقه محل عبادت قریب هزار رسول و پیامبر بوده است و این پاکی و عظمت معنوی این مکان را می‌رساند و پیامبری که می‌خواهد به مکان مقدسی سفر کند باید از مکان مقدسی پرواز کند و این سرزمین اسم با مسمای بیت المقدس را به حق داراست و امروز نیز محبوب قلب‌های مسلمانان جهان است که در روز قدس همه ساله مشاهده می‌شود.

۳. صدور اسلام به خارج از مرزها و هشدار همگانی

خبر معراج صاعقه‌وار هشدار بود که همه را تکان داد و به آن‌ها فهماند که به زودی اسلام به سراسر دنیا صادر می‌شود و بر همه ادیان غلبه پیدا می‌کند و دامنه نفوذ خود را تا دورترین نقاط جهان هستی خواهد گستراند و کسانی که سعی داشتند برای پیشرفت‌های اسلام مانع تراشی کنند باور کنند که دوران ظلم و ستم آنان پایان رسیده است و آمادگی جهانی شدن اسلام اعلام گردد.

قابل فهم بودن همگانی

مردم عربستان مسافرت‌های خود را به این سرزمین داشتند و رفت و آمدها در مسیر بیت‌المقدس بود و با وسایل آن روز چهل روز وقت لازم بود که این مسافرت صورت پذیرد. معیار و ملاک وقت زمان به طور همگانی در دست مردم بود وقتی اعلام شود پیامبر(ص) در مدت بسیار کوتاهی این سفر یعنی مسیر مکه و بیت‌المقدس را طی کرده است قابل فهم همگانی خواهد بود و از طرفی این حرکت شکل معجزه به خود می‌گیرد این مقیاس زمینی در دست مردم است با همان مقیاس به عظمت سیر آسمانی پیامبر(ص) پی می‌برند. دیگر اینکه حوادثی که در بین راه اتفاق افتاد قابل بیان برای مردم است چون می‌توانند پی‌گیری کنند و به درستی آن‌ها آگاه شوند.

امکان معراج

از مباحث مهم مسئله معراج امکان آن است که بشر چگونه ممکن است در مدت کوتاه به معراج برود تا به آسمان‌ها و مسافت‌های دوری برود و برگردد چنین حرکتی آیا از نظر عقلی باور کردنی است؟ همواره این پرسش ذهنی دانشمندان و مردم عادی را مشغول کرده است. با مقیاس‌های علمی آیا می‌شود توجیه کرد که پیامبر(ص) با همین جسم به عوالم آسمانی برده شود و هیچگونه مانعی عقلی بر سر راه نباشد آیا چنین سفرهای سریعی برای پیامبر اسلام(ص) و سایر مردم امکان‌پذیر است یا خیر؟

برای جواب کلی و اجمالی باید گفت نه تنها برای پیامبر اکرم(ص) امکان‌پذیر است و هیچگونه مانع عقلی بر سر راه نیست بلکه برای افراد دیگر نیز امکان‌پذیر است گرچه در حد پائین‌تر از معراج واقع شده و امروزه دانش روز و علوم فضائی ثابت کرده انسان می‌تواند چنین سفرهای سریعی به سوی آسمان‌ها داشته باشد چه اینکه تاکنون موجودات زنده و بخصوص انسان توسط سفینه‌هایی به آسمان و کرات دیگر فرستاده شده است. در اینجا به طور مفصل پرسش و پاسخ‌هایی در مسئله امکان معراج توضیح داده می‌شود.

عوامل و علل معراج

بیان علت و هدف سیر زمینی و آسمانی معراج در باور عمومی اهرم موثری است اینکه خداوند چرا و به چه منظور وجود مقدس و نورانی نبی مکرم (ص) را به آسمان‌ها برده است فلاسفه و علماء منطق همیشه گفته‌اند برای شکل‌گیری هر واقعه و حادثه و پدیده و معلولی چهار علت نیاز است.

اول: علت مادی که پدیده از چه ماده و عنصری ساخته می‌شود؟

دوم: علت صوری که به چه شکل و صورت این پدیده به وجود می‌آید؟

سوم: علت فاعلی که پدید آورنده و سازنده‌ها آن حادثه و پدیده کیست؟

چهارم: علت غائی و هدف نهائی آن پدیده یعنی برای چه منظوری انجام می‌شود؟

بدون تردید علت فاعلی معراج آن اراده و مشیت حق تعالی بوده و علت مادی آنکه وسیله و مرکب این معراج چه بوده است که گفته شده براق و رفر و علت صوری آن خط سیر از مکه تا بیت‌المقدس و از آنجا تا سدرةالمنتهی و از آنجا تا قاب قوسین و لقاءالله و اما علت غایی معراج چه بود؟ باید گفت: خداوند هرگز کار بیهوده‌ای انجام نمی‌دهد و اراده‌اش به هر چه تعلق بگیرد به خاطر هدف والا و حکمت متعالی است لذا معراج پیشوای بزرگ اسلام نیز حتماً برای اهدافی عالی انجام گرفته است. قرآن کریم علت غایی معراج را چنین بیان می‌کند: «لنریه من آیاتنا» این لام در اینجا لام تعلیل است یعنی به علت آن که از آیات قدرت ما به شگفتی آسمان‌ها و منظومه‌ها و عوالم انعکاسی افعال زمین را ببیند و دیده‌های خود را برای مردم بگوید که او صادق و مصدق است و از سرزبان سخن نمی‌گوید. مگر آنچه به او وحی برسد.

همانگونه که می‌دانیم و آیه نیز در آن ظهور دارد لفظ «آیات» در آیه ذکر شده مطلق است و می‌تواند مصادیق زیادی را در بر گیرد که می‌توان چنین بیان کرد که خداوند هدفی مخصوص برای حبیب خود رسول خاتم (ص) در نظر گرفته بود که آن مقامی با شکوه بود و

لیکن در پرتو این دیدار بسیاری از آیات الهی که گستره آن بسیار است و شامل مصادیق متعددی می‌گردد برای پیامبر(ص) مکشوف شد. یکی از این آیات می‌تواند سفر فضایی و آسمانی پیامبر(ص) باشد که مسلماً با دیدن وضع و چگونگی عوالم بالا به علم و دانش پیامبر افزوده می‌شود هر چند که قبلاً آن علم را بگوئیم پیامبر(ص) دارا بودند ولی با مشاهده عینی کرات و منظومه‌های آن به شهود عینی رسیده و مرتبه علم‌الیقین را پشت سر گذاشته و به عین‌الیقین و حق‌الثقین نائل می‌شدند. یکی دیگر از آن آیات دیدار از بهشت و جهنم است که رسول خدا(ص) در دعوت مردم به دین اسلام و بازگویی سرانجام کارها از آن بخوبی استفاده نمودند از آنجا که جهنم را دیده و شدت عذاب را از نزدیک مشاهده نموده همواره گنه کاران را از این مکان برحذر می‌داشتند و چون بهشتی آرام، جاودان، زیبا و ... را دیدند و در تمامی عمر خویش مردم را بدان و راه رسیدن به آن فرا می‌خواندند یکی دیگر از آن آیات دیدن ملکوت اشیاء و نشان دادن واقعیت‌های نهفته در عالم ملکوت و ارائه حقایق ناپیدای هستی به پیامبر(ص) بوده است و این معنا در روایت امام زین‌العابدین آمده است که خداوند جایگاه خاصی ندارد ولی برای نشان دادن ملکوت آسمان‌ها و شگفتی‌های آن و آفرینش‌های تازه و بدیع را به او نشان دهد. از جمله دیگر این آیات حضور در جمع پیامبران پیشین و گفتگو با آنان دیدن فرشتگان و سخن گفتن با آنان و دادن گزارش و آمار آن که نقل محافل سازد.

شبهات و موانع معراج

۱. مسئله جاذبه

برای اقدام به یک سفر فضائی نخستین مانع نیروی جاذبه است.

نیروی جاذبه زمین در همه شئون زندگی بشر تأثیر بسزایی دارد به گونه‌ای که کلیه

حرکات آدمی در روی زمین تحت تأثیر نیروی جاذبه است.

آنچه امروزه در علم به اثبات رسیده این است که برای فرار از حوزه جاذبه زمین سرعتی لازم است که در هر ثانیه کمتر از هشت کیلومتر باشد یعنی تقریباً با سرعتی معادل ۴۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت این فرار محقق می‌شود با توجه به این قانون در فیزیک که جاذبه و قدرت هر عنصری به جاذبه و قدرت عنصر قوی‌تر از او مجذوب و شکسته می‌گردد گویی‌ام همان گونه که در بخش‌های بعدی اشاره می‌کنیم و جلوتر نیز بیان کردیم مرکبی فوق العاده به نام براق برای سفر آسمانی پیامبر (ص) در نظر گرفته شده بود که با توجه به وجه تسمیه‌اش که از برق می‌باشد می‌تواند به خوبی سرعت حیرت‌زای او را پیش‌بینی نمود.

در مورد سرعت براق پیامبر (ص) فرمودند: «فلو أن الله تعالی اذن لها لجالت الدنيا و الاخره

في جریه واحده»

اگر خداوند به براق اذن می‌داد دنیا و آخرت را با یک گام می‌پیمود.^۱

در ادبیات آمده است: برقی که براق نام او بود پهنای سپهر گام او بود

با توجه به این مطلب از روی اطمینان می‌توان گفت که سرعت براق از سرعت جاذبه

زمین بیشتر بوده است.

۲. مسئله بی وزنی

یکی از عواملی که تعادل جسمی و روحی فضانوردان را به هم می‌زند بی وزنی است دانشمندان می‌گویند اگر جسمی بین دو کره قرار گیرد وجودی باشد که اثر هر یک از این دو کره بر روی او مساوی باشد در چنین وضعی بر آن جسم حالت بی‌وزنی پیدا می‌شود بدین معنی که مانند پر کاه معلق در فضا می‌ماند و مثل یک پرواز می‌تواند به این طرف و آن طرف حرکت کند و یا وزنه‌ای به خود آویزان کند که بتواند آرام حرکت کند. در روی کره زمین هر چه وجود دارد سنگین است یعنی وزن دارد و این وزن ناشی از نیروی ثقل هوای زمین است که روی همه چیز اثر می‌گذارد و همه چیز را به سوی مرکز زمین می‌کشاند ولی نیروی

۱. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ص ۴۹.

جاذبه زمین تا ارتفاع معینی از سطح زمین ناخود مؤثر است و هر جسمی که بخواهد از اتمسفر جو زمین بیرون برود همین که در حوزه جو قرار گرفت تدریجاً سبک و سبک‌تر می‌شود و در لحظه‌ای که اتمسفر را پشت سر گذاشت وزن خود را به کلی از دست می‌دهد زیرا دیگر نیروی جاذبه‌ای در کار نیست که آن را به سوی زمین بکشانند و آن را سنگین کند. تا زمانی که آن جسم وارد حوزه مغناطیسی یک کره دیگر نشده همچنان فاقد وزن می‌باشد در این حالت از فشار جریان خون کاسته شده و باعث نارسایی خون به تمامی نقاط بدن می‌شود و زیان‌های فراوانی به اعضاء بدن وارد می‌کند. غدد داخلی مترشحه بدن نمی‌توانند کار خود را به درستی انجام دهند و دچار کمبود آب در بدن می‌شوند. از لحاظ بیولوژی نیز بر روی سیستم عصبی تأثیرات وخیمی دارد.

برای چاره این مشکل در داخل لباس‌های فضانورد آستین فشار کار گذارده می‌شود که فشار خون فضانورد را ثابت نگه می‌دارد تدبیر دیگر ایجاد نیروی ثقل مصنوعی برای سفینه حامل فضانوردان است نیروی شبیه به نیروی جاذبه زمین اما کارشناسان مسائل فضائی اظهار می‌کنند که باید فضانوردان را از لحاظ جسمی و روحی آموزش داد تا برای تحمل شرایط بی‌وزنی در جریان سفرهای طولانی فضائی آمادگی پیدا کنند.^۱

بنابراین امکان از بین بردن بی‌وزنی به شکل مادی وجود دارد که یک انسان می‌تواند چنین کند و از طرف دیگر قدرت خداوند و معجزه این مشکل را بخوبی حل و فصل می‌کند.

۳. فقدان هوا در مسیر معراج

برای یک سفر فضائی هوای لازم باید همراه باشد چنانچه می‌دانیم در فضای بیرون جو زمین هوائی وجود ندارد که انسان تنفس کند و انسان بدون هوا نمی‌تواند زندگی کند. انسان از اول خلقت با این پدیده طبیعی به دنیا آمده است و با این پدیده باید زندگی کند خداوند

۱. مجله فضا، شماره ۵، ص ۳۴.

متعال جهت تنفس و زیستن کلیه موجودات این نعمت را آفریده است و به صورت یک قشر گازی است که دور زمین را فرا گرفته و این موجود نام هوا را بخود گرفته است. ترکیب شیمیائی این موجود که بخاری است بی‌رنگ و بی‌بوی و بی‌طعم مرکب از یک پنجم اکسیژن و چهار پنجم ازت به علاوه بخار آب و گاز کربنیک که تمام کره زمین را احاطه کرده است و دیده نمی‌شود فقط هنگام وزش باد وجود آن احساس می‌شود. هوا در نقاط مختلف زمین متغیر است. ضخامت آن را بین ۶۰ تا ۱۰۰ کیلومتر دانسته‌اند وقتی کسی از این پوشش فراتر رود آنجا دیگر هوا نیست و با کمبود اکسیژن کار تنفس مشکل پیدا می‌کند و انسان دچار مرگ می‌شود.

در سفرهای فضائی ذخیره اکسیژن و کپسول‌های حاوی آن این مشکل را به خوبی برطرف کرده بعید نیست که بگوئیم چنین وسایلی حتی پیشرفته برای پیامبر آماده بوده است و با توجه به این نکته که در این سفر فضائی قدرت لایزال الهی دخیل بوده است و خداوندی که خود این نعمت را آفریده و در وجود عالم آسمانی قرار داده است.

همه تحت فرمان او می‌باشند شرایط را به گونه‌ای فراهم می‌کند که برای پیامبر (ص) مشکلی بوجود نیاید و او را به گونه‌ای مجهز نموده که هوای کافی همراه او باشد و همانگونه که آتش برای حضرت ابراهیم سرد و خنک شد در فضا نیز برای پیامبر (ص) هوا باندازه کافی موجود باشد و از طرفی بدون شکل مسأله معراج پیامبر (ص) جنبه عادی نداشته بلکه شکل معجزه بخود گرفته است و قدرت بی‌پایان خداوند وسیله ساز آن بوده است.

۴. گرمای سوزان و سرمای شدید

مانعی دیگر مانند گرمای سوزان و سرمای شدید و کشنده‌ای که در فضا وجود دارد مسئله معراج را زیر سؤال می‌برد؟ حتی در روی زمین بعضی مناطق بسیار گرم و بعضی مناطق بسیار سرد است برای کسانی که در مناطق گرم زندگی می‌کنند حضور در مناطق سرد سخت است و کسانی که در مناطق سرد هستند در مناطق گرم خست است ولی پیشرفت‌های علم این

مسئله را حل کرده است چرا که در مناطق بسیار گرم کولرهای خنک کننده و در مناطق سرد بخاری‌های گرم کننده فراهم نموده‌اند برای فضا نیز دانشمندان پیش‌بینی کرده‌اند برای فضاپیماها لباس‌های مخصوص فراهم نموده‌اند که در برابر سرما و گرما می‌توان از آن‌ها استفاده کرد و آسیب ندید و خداوند با قدرت خود در سرما و گرما می‌تواند پیامبر(ص) را نگهداری کند.

۵. مانع اشعه‌های خطرناک کیهانی

در ماوراء جو زمین اشعه‌های خطرناکی همچون اشعه کیهانی، اشعه ماوراء بنفش و اشعه ایکس وجود دارد که این‌ها سرعتی معادل سرعت نور دارا می‌باشند و به طور مداوم بارش‌هایی سیلابی را تشکیل می‌دهند. بعضی از این اشعه‌ها هر چند دارای اجزائی کوچک هستند ولی قابلیت نفوذی زیادی را دارا می‌باشند به گونه‌ای که به عنوان مثال «پروتون» در هر یک ثانیه ۱۰۰۰۰ عدد از آن بر هر متر مربع از زمین برخورد و تا صدها متر نفوذ می‌کند. و شگفت‌انگیز از آن این که در ارتفاع ۲۴۰۰ کیلومتری زمین در هر ثانیه یک میلیون ذره بر هر سانتی‌متر از زمین برخورد می‌نماید بدیهی است که این شدت برخورد به بدن انسان یا جاندار دیگر باعث هلاکت و نابودی او خواهد شد.^۱

آنچه به عنوان مشکل بیان شد در علم امروزه ثابت شده است که انسان می‌تواند در مقابل این اشعه‌ها، مخصوصاً اشعه‌های کیهانی با پرده‌هایی کدر از خود محافظت نماید و برای این کار حتی یک پرده کاغذ سیاه کافی است.

۶. اشکال سنگ‌ها و شهاب آسمانی

جسمی آسمانی و کوچک به اندازه دانه شن به نام شهاب که از ستارگان جدا می‌شود یا از محیط مجاور زمین جدا می‌شود و با سرعت زیاد وارد جو سیاره ما می‌گردد. شهاب‌ها

۱. معراج در آئینه استدلال، ص ۴۲۳، محمد شاهرودی

معمولاً در ارتفاع ۶۰ تا ۱۳۰ کیلومتری به چشم دیده می‌شوند و همواره با یک دنباله نورانی همراه می‌باشند. شهاب‌ها وقتی به طرف زمین می‌آیند هوا را در جلوی خود فشرده و به اندازه‌ای گرم می‌شوند که لایه سطحی آنان ذوب گردیده از بین می‌رود و با رسیدن به جو اتمسفر زمین بر اثر اصطکاک و حرارت شدید سوخته و تبخیر می‌گردند به رنگ سفید در آمده نور خیره‌کننده‌ای از آن‌ها ساطع می‌شود و به خاکستر یا ذره‌های بسیار کوچک تبدیل می‌گردند گرچه به وسیله اتمسفر جو زمین از فرود آمدن آن‌ها به سطح زمین جلوگیری می‌شود اما گاهی بعضی از آن‌ها به زمین می‌رسند که آن‌ها را سنگ‌های آسمانی می‌گویند. در هر سال تقریباً دو هزار سنگ آسمانی به جرم متوسط ۱۰۰ کیلوگرم به زمین می‌افتد. این مطلب نشان می‌دهد که همه ساله ۲۰۰,۰۰۰ کیلوگرم به جرم زمین اضافه می‌شود.

بزرگ‌ترین سنگ آسمانی شناخته شده در نزدیکی «گروت فون تن» در جنوب غربی آفریقا قرار دارد که جرم آن ۵۰۰۰۰ کیلوگرم بوده و از آهن و نیکل تشکیل شده و حجم آن در حدود ۱ متر مکعب است.

آزمایش‌ها و تجربیات در این زمینه نشان داده است که خطر برخورد این ذرات به سفینه‌های فضایی و ماهواره‌ها از آنچه تصور می‌شده خیلی کمتر است و با هدایت صحیح سفینه‌های فضایی می‌توان از برخورد آن‌ها جلوگیری نمود.

پیامبر اکرم(ص) در این سفر آسمانی با امکاناتی که براق به همراه داشت و این سفر شکل معجزه داشت می‌تواند کاری کنند که از آسیب این شهاب سنگ‌ها مصون بمانند و این اشکال نمی‌تواند مانع معراج بشود.

زیبائی‌های معراج در جسمانی و روحانی بودن آن

نزد حکیمان این امر پذیرفته شده است که هر موجودی به اندازه رتبه وجودی خود می‌تواند اندیشه کند اندیشه که عبارت است از توان و حیات هر موجودی بهره‌ای از بارگاه الهی به رسم امانت در اختیار دارد و انسان این اندیشه را دارد که باید قدر آن را بداند و به

درستی از آن بهره برد. مسئولیت عظیم انسان و نوع بهره‌وری در موضوعات مختلف باعث تفکیک حق از باطل می‌شود این انسان با ژرف بینی خاص معراج و زیباییهایش را بررسی می‌کند که اگر معراج خواست یک معجزه باشد و پیامبر اسلام(ص) به آسمان‌ها رفته باشد جسمانی بودنش به موضوع اهمیت می‌دهد نه اینکه سؤال کند آیا این واقعه در خواب بوده که همه کس می‌تواند چنین خوابی و رؤیایی را ببیند و یا اینکه آیا روح پیامبر(ص) به معراج رفته و عروج جسمانی نبوده با اندیشیدن و استفاده از تجربه دیگران و حضور در پای درس احادیث و روایات و آیات قرآن می‌پذیریم که پیامبر(ص) با جسم و روح در حال بیداری این سفر معنوی را حضور پیدا کرده است.

انکار معراج

بین دانشمندان شیعه و سنی در اصل اینکه پیامبر اکرم (ص) از جانب خداوند به معراج برده شده اختلافی وجود ندارد لذا کسانی که انکار معراج داشته‌اند را رها کرده نگاهی به دیگر اقوال می‌اندازیم که گروهی از خوارج اصل معراج را منکر شده بودند و امروزه نیز ممکن است کسانی باشند که بگویند مگر چنین چیزی امکان دارد که کسانی به سوی آسمان‌ها پرواز کنند.

پیامبر (ص) در حالت خواب

یکی از فرقه‌های جبری مسلک به نام «جهمیه» که از پیروان جهم بن صفوان متوفای ۱۲۸ هجری می‌باشند اعتقاد دارند روح پاکیزه پیامبر (ص) همچنان در میان بستر روی زمین بجای مانده بود در حالت خواب پر از آرامش بود که به طرف بالا رفت این گروه و همچنین معتزله استناد به خواب‌های دیگر پیامبر (ص) داشته‌اند و استدلال کرده‌اند جسم در زمان کم نمی‌تواند مسافت طولانی را قطع کند پس در خواب بوده است.

مسافتی با جسم و مسافتی با روح

نیروی اکتشافی عقل چراغ روشن و پر فروغی است که حقایق را برای انسان مشخص می‌نماید و در تشخیص صراط مستقیم و ارائه آن سهم بسزایی دارد این مصباح پر فروغ می‌تواند شفاف‌سازی حوزه شریعت داشته باشد و حقایقی بر ملاء نماید و دلمایه‌ای بشود آرامش‌بخش. درباره اینکه پیامبر اسلام (ص) مسافت معراج را با جسم و روح رفتند یا با روح تنها مباحثی که تا کنون مطرح گردیده در اینجا بعضی از نگاه‌ها را بیان می‌داریم عده‌ای قائل هستند که معراج پیامبر (ص) از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی به بدن و جسم بود ولی از آنجا تا آسمان فقط به روح بوده است.

ابن شهر آشوب این قول را منسوب به بعضی از امامیه، زیدیه و معتزله می‌داند. این گروه به ظاهر آیه اول سوره اسرا و تمسک کرده‌اند «الی المسجد الاقصی» که تا مسجد الاقصی را پیامبر با جسم آمد علامه طباطبائی نیز ظاهراً همین قول را تقویت نموده است ایشان در تفسیر المیزان می‌فرماید: با در نظر داشتن یکسری قرائن از آیات و روایات چنین استفاده می‌شود که آنجناب با روح و جسمش از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی رفته و اما عروجش به آسمان‌ها از ظاهر سوره نجم و صریح روایات برمی‌آید که این عروج واقع شده و نمی‌توان آن را انکار کرد چیزی که هست ممکن است بگوییم این عروج با روح بوده است.

و لکن نه آنطور که قائلین به معراج روحانی معتقدند که به صورت رویای صادقه بوده است زیرا اگر رویای صادقه بوده دیگر جا نداشت آیات قرآن این قدر درباره اهمیت آن سخن بگوید و در مقام اثبات کرامت درباره آنجناب برآید. همچنان که دیگر جا نداشت قریش وقتی که آنجناب قصه را برایشان نقل کرد آنطور به شدت انکار نمایند و نیز مشاهداتی که آن جناب در بین راه دیده و نقل فرموده با رؤیا بودن معراج نمی‌سازد و معنای معقولی برایش تصور نمی‌شود. بلکه مقصود از روحانی بودن آن این است که روح مقدس آن پیامبر عظیم‌الشأن به ماورای این عالم مادی یعنی آنجائی که ملائکه مکرمین منزل دارند و اعمال بندگان به آنجا منتهی و اقرار از آنجا صادر می‌شود عروج نموده و آن آیات کبری پروردگارش را مشاهده و حقایق اشیاء و نتایج اعمال برای او مجسم شده ارواح انبیاء عظام را ملاقات و با آنان گفتگو کرده است. ملائکه کرام را دیده و با آنان صحبت نموده است و آیاتی الهی دیده که جز با عبارات عرش، حجب سادات تعبیر از آن‌ها ممکن نبوده است این است معنای معراج روحانی.^۱

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۵۳.

طی مسافت با جسم تا آخرین مأموریت

بیشتر اندیشمندان اسلامی بر این عقیده‌اند که رسول خدا(ص) از اول تا به آخر حتی آسمان‌ها را هم با جسم و روح خود عروج کرده است و این حقیقت در قرآن و روایات و اجماع علماء و عقل دیده می‌شود وقتی خداوند می‌فرماید: «سبحان الذي اسرى بعبده» پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب سیر داد پوشیده نیست که واژه عبد در قرآن فراوان ذکر شده این واژه تنها به معنای جسم انسان آمده که مجموعه‌ای است از تن و روح لذا اگر مراد فقط به معراج بردن روح بوده لازم بود که خداوند بفرماید «اسرى بروح عبده» که چنین نفرموده است لذا این آیه به دلالت صریح و مطابقی معراج پیامبر را به طور جسمانی بیان می‌کند.

در آیه دیگر خداوند در سوره نجم می‌فرماید:

«ما زاغ البصر و ما طغي لقد رأي من آيات ربه الكبرى»

چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد آنچه دید واقعیت بود او پاره‌ای از نشانه‌های بزرگ پروردگارش را دید.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می‌فرماید:

این که پیامبر(ص) در خواب به معراج رفتند منافات دارد با ظاهر آیات. چون علاوه بر این که آیه در مقام منت نهادن است در عین حال ثنای بر خدای سبحان نیز هست که چنین پیشامد بی سابقه را پیش آورده و چنین قدرت نمائی عجیبی را انجام داده و پر واضح است که مسئله قدرت نمایی با خواب دیدن به هیچ وجه سازگار نیست. خلاصه خواب دیدن پیغمبر سابقه و قدرت غایی نیست چون خواب را همه کس چه صالح چه طالح می‌بیند و چه بسا انسان فاسقی خواب‌هایی ببیند که عجیب باشد.

زبانی‌های شواهد معراج جسمانی پیامبر اعظم در اخبار

محدثین از صحابه و تابعین آنقدر در این خصوص روایاتی نقل کرده‌اند که به حد تواتر رسیده است در میان این روایات بعضی از اخبار شفاف و صریح است که پیامبر اکرم(ص) در بیداری و با جسم بوده است و بعضی نیز به صورت ضمنی دلالت بر این مطلب دارد. روایات فراوانی از رسول خدا نقل شده که ایشان می‌فرماید: «جبرئیل آمد مرکب براق را آورد مرا بر آن نشانید تا ملکوت آسمان‌ها بالا برد و چنانچه می‌دانیم قرآن کریم می‌فرماید: «پیامبر(ص) در قول خویش صادق است» ایشان در کلام خویش فرمودند که مرا در خواب و رؤیا سیر دادند که اگر چنین بود خود بیان می‌فرمودند. همچنان که بسیاری دیگر از خواب‌های خویش را بیان فرمودند و حضرت ابراهیم نیز چون در خواب دیده بودند گفتند پسرم در خواب دیده‌ام که تو را قربانی می‌کنم.

اکنون به چند نمونه از اخبار معراج جسمانی اشاره می‌کنیم

روایتی که ثقه‌الاسلام یعقوب کلینی از ابان بن عثمان نقل کرده که گوید امام صادق(ع) فرمود: از جمله چیزهایی که امیرالمؤمنین هنگام وفات رسول خدا(ص) به ارث بردند پیراهنی بود که پیامبر با آن به معراج رفته بودند که عبارت اینچنین است: «والقميص الذي اسري به فيه»^۱ و پیراهنی که پیامبر(ص) با آن سیر داده شده بود به معراج رفت در اختیار علی(ع) گذاشته شد اگر معراج با روح بود و یا در خواب بود چنین سخنی معنا پیدا نمی‌کند. شاهد دیگر از اخبار روایتی است که به طریقه‌های متعدد در کتب شیعه و سنی نقل شده است که رسول خدا(ص) دخترش فاطمه را زیاد می‌بوسید. عایشه همسر پیامبر(ص) نگران شد رسول خدا(ص) به او فرمود چون مرا به آسمان‌ها بردند وقتی وارد بهشت شدم جبرائیل مرا نزدیک درخت طوبی برد و از میوه‌های آن به من داد من آن‌ها را خوردم و خداوند آن را در پشت من مبدل به نطفه گردانید چون به زمین آمدم با حضرت خدیجه هم بستر شدم و او به

حضرت فاطمه بارور گردید. من هیچگاه او را نمی‌بوسم مگر این که بوی خوش شجره طوبی از او به مشامم می‌رسد.^۱

مسلم است این خصوصیات ذکر شده مربوط به جسم است میوه بهشتی خوردن به زمین برگشتن هم بستر شدن، مواد آن میوه و غذاهای بهشتی دیگر تبدیل به نطفه شدن این‌ها را نمی‌شود گفت در خواب بوده است و یا اینکه به واسطه روح چنین توجیهاتی پیدا شده است بلکه این جسم پیامبر (ص) بوده است که چنین حضوری در آنجا پیدا کرده و چنین طهارتی داشته است و مواد غذایی که مصرف کرده چنین نطفه پاکی را ایجاد کرده است.

ورود عقل در زیبایی‌های معراج جسمانی

عقل انسان‌ها به دنبال زیباییها می‌گردد زیبایی‌های جمال و جلال در جستجوی انسان‌های متفکر و اندیشمند بوده و هست اگر انسان‌ها به زیبایی‌ها برسند افق جدیدی برایشان نمایان می‌گردد مطالبات خود را پویا و به روز می‌کنند مطالب قرآن اگر بخواهد به روز باشد باید اندیشه و عقل را بکار بندیم. اکنون اگر توجه کامل داشته باشیم هیچ عقل سلیمی معراج پیشوای بزرگ اسلام را دور از واقعیت نمی‌شمرد بلکه آن را تحسین کرده و می‌ستاید چرا که بزرگداشتی از شخصیت والا مقامی در موقعیت مناسبی برای پیامبر (ص) است این بزرگداشت پیامبر (ص) که در درگاه الهی مقامی ویژه را دارد از نظر عقل کار پسندیده‌ای است.

ایرادی که بعضی بر این دارند گفتیم گاهی مورد سؤال قرار می‌گیرد که آیا امکان دارد و دیگر اینکه اگر جسمانی بوده باشد استبعاد عقلی دارد که در مباحث قبلی جواب داده شد که نه تنها واقعه معراج محال نخواهد بود بلکه نظایر آن در حدی پائین‌تر واقع شده چطور وقتی فضایی‌ماهائی کهنه کار سفر منظومه شمسی را به پایان می‌رساند کسی ایرادی عقلی بر آن وارد نمی‌کند ولی معراج پیغمبر بزرگ اسلام که در حقیقت قدرت نمائی خداوند بوده است

۱. تفسیر مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۳۷.

را با اشکالاتی سطحی دور از واقعیت و عقل پنداشته‌اند و می‌گویند محال است در حالیکه عقل بخوبی می‌پذیرد و شکل منطقی نیز برای آن ارائه می‌دهد بدین صورت که خداوند از نظر عقلی کارهای خارق‌العاده می‌تواند انجام دهد که صغرای قضیه است و معراج از نظر عقلی امری خارق‌العاده است که کبری قضیه است پس نتیجه می‌گیریم که معراج توسط خداوند انجام شده است و این یک امر عقلانی است.

چرا برای عده‌ای قبول معراج سخت بوده است

آن‌هایی که معراج جسمانی را مشکل دانسته و قبول آن را از نظر علمی محال شمرده‌اند به اصول نظام بطلمیوسی معتقد بوده‌اند که عبور از اطراف و افطار کرات ملازم پاره شدن و بسته شدن افلاک است یعنی چنانچه کسی بخواهد از روی هر فلکی به بیرون آن برود موجب می‌شود خرق و التیام یعنی پارگی و بهم آمدگی پیدا شود و چنین چیزی را محال و ممتنع می‌دانستند چون معتقد بودند افلاک مزبور قابل سوراخ شدن و وصله پذیرفتن نیست. اما در این زمان که بشر به کرات منظومه شمسی یکی بعد از دیگری قدم نهاده و می‌نهد عملاً ثابت کرده است که اکثر مباحث در علم هیأت قدیم ثوری و فرضیه و از روی خیال و توهم بوده و هیچ ارزش علمی ندارد این‌ها بر این اساس معراج را فقط روحانی و عقلانی تصور نموده‌اند چون آن روزها فضاپیما و سفینه‌های بزرگ ماه نشین نبوده تا معراج و سفر فضایی قابل قبول باشد همانطور که بیان شد عمده دلیل قائل شدن ابوعلی سینا به سفر روحانی نیز همین بوده است.

گروه‌های دیگری در اشکال قبول معراج جسمانی از نظر عقل گفته‌اند چون بدن ثقیل است و حرکت جسم ثقیل در فضا غیر ممکن است از این رو معراج جسمانی را محال و ممتنع دانسته و به معراج روحانی تأویل نموده‌اند.

نکته قابل ملاحظه اینکه در قرن ۱۵ میلادی نظریه بطلمیوس را که مورد توجه قرار گرفته بود و در مدرسه فلکیه به مدیریت فیثاغورس ریاضی‌دان معروف مردی بنام «ابرخوس» اوضاع

آسمان‌ها را به یک صورت خاصی تصور نموده است آقای «کوپرنیک» باطل نمود و هیأت جدیدی را جایگزین نمود نظر بطلمیوس خلاصه‌اش این بود که افلاک همه از درون هم سطح‌اند و هر کدام مماس دیگری است و مرکز همه افلاک زمین است و به اصطلاح قانون «زمین مرکزی» را قبول داشتند که کوپرنیک لهستانی نظریات جدیدی داشت که کپلر منجم معروف به نظرات او بال و پر داد و قانون خورشید مرکزی را جایگزین نمود.

سرعت و حرکت حضرت سلیمان

امروزه مسائل جدید که در اختیار انسان‌ها قرار می‌گیرد حاکی از سرعت‌های قابل ملاحظه‌ای است قبلاً وسائل نقلیه سرعت‌های کمتری داشتند ولی وسائل نقلیه جدید سرعت‌های زیادی دارد این اتفاق هم برای اتومبیل‌ها و هم برای قطار هم برای هواپیما افتاده است بنابراین امکان عقلی سرعت زیاد برای حرکت و پیمودن مسافت‌ها وجود دارد. در اینجا داستان حضرت سلیمان قابل ذکر است که او هم مسافت‌های طولانی را با سرعت زیاد حرکت می‌کردند.

آیه قرآن در سوره سبأ درباره حضرت سلیمان می‌فرماید:

«ولسلیمان الريح غدوها شهر و رواحها شهر»^۱

و برای سلیمان باد را مسخر کردیم که به وسیله آن صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان نیز مسیر یک ماه را می‌پیمود.

در اینکه باد چگونه کرسی یا فرش مخصوص سلیمان را به حرکت درمی‌آورد و در چند ساعت مسیر یک ماه را می‌پیمود برای ما درست روشن نیست همین قدر می‌دانیم او قالیچه‌ای را می‌نشسته و به هر کجا می‌خواسته است حرکت می‌کرده و این موضوع بیان کننده قدرت خداوند است.

۱. سوره سبأ، آیه ۱۲

داستانی در احتجاج طبرسی آمده است که:

یک نفر از علماء یهود در گفتگویی با امیرالمؤمنین (ع) مطرح کرد که حضرت سلیمان (ع) باد را در اختیار داشت و خداوند بود که در تسخیر او گذاشت او با این وسیله و خواست خداوند در شهرهای خود سیر می کرد. در یک نیم روز صبح مسیر یک ماه را می پیمود و در نیم روز بعد از ظهر مسیر یک ماه را طی می کرد و برمی گشت آیا شما قبول دارید. حضرت علی (ع) فرمودند این سخن صحیح است و در قرآن نیز مطرح شده است سوره سبأ آیه ۱۲ را خواند ولی از طرف خداوند به حضرت محمد (ص) بالاتر از سلیمان عطا شد آن حضرت از مسجدالحرام تا بیت المقدس را که لازم بود در یک ماه پیموده شود در قسمتی از یک شب پیمودند و تازه از آنجا به سوی ملکوت آسمانها که مسیر آن نیاز به پنجاه هزار سال وقت است در کمتر از یک سوم شب پیمود تا به علم و آگاهی بیشتر نزدیک شود و به بهشت نزدیک تر گردید پرندۀ رفرر سبز رنگ بالای سرش آمد نور خیره کننده چشمش را فراگرفت عظمت خدا را با چشم دل دیده و خداوند برای او وحی می فرستاد.^۱

آوردن تخت ملکه سبابه بیت المقدس

حضرت سلیمان به بزرگان اطرافیاناش گفت کدام یک از شما توانائی آن را دارید که تخت ملکه سبا که در صنعا در سرزمین یمن بود را به اینجا یعنی بیت المقدس بیاورد با اینکه بین بیت المقدس و سرزمین یمن صدها فرسخ فاصله بود. عفریتی از جن گفت پیش از آنکه از مجلس برخیزی من آن تخت را از یمن به اینجا می آورم اما کسی که دانشی از کتاب می دانست گفت من آن را پیش از آنکه چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد و او همین کار را کرد ناگهان حضرت سلیمان تخت بلقیش را نزد خود مستقر دید و شکر خدا را بجا آورد.

۱. اجتماع طبرسی، ج ۱، ص ۳۲۷.

«قال يا ايها الملؤا ايكم يا تيني بعرشها قبل آن يأتوني مسلمين. قال عفريت من الجن انا اتيك به قبل آن تقوم من مقامك اني عليه لقوي امين. قال الذي عنده علم من الكتاب انا اتيك به قبل آن يرتد اليك طرفك فلما راه مستقراً عنده قال هذا من فضل ربي»^۱

آنگاه حضرت سلیمان رو به حضار بارگاه کرد و گفت کدام یک تخت بلقیس را پیش از آنکه تسلیم امر من شود خواهید آورد. از آن میان عفريت از طایفه جن گفت من چنان برآوردن تخت او قادر و امینم که پیش از آن که تو از جایگاه قضاوت خود برخیزی آن را به حضور آورم و آن کس که به علم کتاب الهی دانا بود گفت من قبل از آنکه چشم بر هم زنی تخت را به اینجا آرم و حضرت سلیمان وقتی سریر و تخت را نزد خود دید گفت این توانائی از فضل خدای من است.

مطابق روایات این شخص «آصف بن برخیا» وزیر سلیمان (ع) بود که اسم اعظم را می‌دانست در پرتو آن نیروی معنوی چنین کار عظیمی را انجام داد. آیا آصف با قدرت معنوی خود تخت ملکه سبأ را تبدیل به امواج نور کرد و در یک لحظه در آنجا حاضر نمود و بار دیگر آن را مبدل به ماده اصلی خود ساخت و آنقدر علم و یقین بر این مطلب است که از نظر علمی محال نیست و در برابر قدرت عظیم الهی هیچ مشکلی در میان نخواهد بود مسئله معراج نیز از همین قبیل است.

طی الارض، طی اللسان و طی الخلق

موضوع دیگری که مسئله معراج را از نظر مشکل زمان در ذهن ما حل و آسان می‌گرداند این است که ما در فرهنگ خود موضوعاتی مانند طی الارض، طی اللسان، و طی الخلق داریم که به اثبات رسیده و برای آن‌ها شواهد عینی بسیار وجود دارد.

منظور از طی الارض پیچیده شدن زمین در زیر پای انسان است که در نتیجه او می‌تواند راه طولانی را در یک لحظه بپیماید و با سرعت راه طولانی را بدون وسیله نقلیه در یک چشم

۱. آیات ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ سوره نمل.

بهم زدن بروند مثلاً چشم می‌بندند و باز می‌کنند خود را در کربلا با مکه یا حرم امام رضا یا جاهای دیگر می‌رسانند و حتی می‌توانند افراد دیگری را نیز همراه خود با طی الارض به مکان مورد نظر ببرند.

منظور از طی اللسان آن است که انسان بر اثر سرعت حرکت زبان با قدرت الهی بتواند مثلاً در یک لحظه همه قرآن را بخواند و یا همه نهج البلاغه را موضوعی یا به ترتیب بخواند با همه اشعار مولوی را بتواند یکجا بخواند یا خطبه بدون نقطه و یا بدون الف بخواند.

منظور از طی الخلق آن است که انسان در پرتو فوق‌العاده معنوی و کرامت یا اعجاز به اذن خدا آدم مرده را در یک لحظه زنده کند و یا به مجسمه پرنده با گل درست شده بدمد و او را به پرواز درآورد چنانچه طبق آیه ۴۹ سوره آل عمران حضرت عیسی (ع) به اذن خداوند این کارها را انجام داد برای توضیح بیشتر به کتب تفسیری مراجعه شود.

در سخنان دانشمندان اسلامی و عارفان این سخن فراوان است که اگر سالک به درستی سلوک کند و از پیچ و خم‌های مادیات عبور کنند و بر طبق موازین شرعی تهذیب نفس کند می‌تواند کارهای خارق‌العاده انجام دهد و کارهایی که از روح برمی‌آید با جسم نیز انجام دهد و مثلاً طی الارض انجام دهد و در کتب زیادی بیان شده که موضوعاتی خارق‌العاده حتی برای غیر معصومین امکان‌پذیر است.

اهم زیبایی‌ها در ملاقات‌های معراج

۱. ملاقات با حضرت آدم (ع)

اصول و قواعد کلی در مناسبات انسانی وجود دارد که نیازی به تشریح و توضیح ندارد. مناسبات انسانی بدون ضابطه یا بدون هدف نسبت گفتگوها و رفتارها نتایج شایسته‌ای خواهد داشت حرکت‌ها و گفتمان‌ها در استحکام فعالیت‌های بعدی تأثیر بسیاری دارد. براین مبنی در مسئله معراج ملاقات پیامبر اکرم با حضرت آدم با اصل شناخت روابط ویژه می‌تواند تجربه‌های فراوانی به دست بدهد.

پیامبر اکرم در ماجرای معراج ضمن گزارش از رخداد‌های که صورت گرفته است خیر ملاقات با حضرت آدم ابوالبشر را نیز می‌دهد. می‌فرماید در ضمن بازدید ناگاه انسان گندمگون و تنومندی زیبا و خوش رو را دیدم از جبرائیل پرسیدم این شخص کیست؟ البته پیامبر (ص) طبق یک قانون خاص باید این گونه افراد را بدون سؤال کردن بشناسد ولی قرار بر این بود که جبرائیل همراه او باشد و او توضیح دهد. جبرائیل در جواب سؤال پیامبر گفت این پدرت حضرت آدم (ع) است در همان زمان شاهد کردم بعضی از فرزندان او در کنار او قرار می‌گیرند بر او سلام کردم جواب داد: «مرحبا بالا بن الصالح و النبي الصالح نعم المجدی جاء»^۱ مرحبا به فرزند امام صالحم و پیغمبر صالح و مبعوث در روزگار صالح خوب کسی آمد پیامبر اکرم (ص) فرمود: در این هنگام سوره مطفقین را از آیه هجدهم که می‌فرماید: کلاً ان کتاب الابرار لفي علیین و ما ادراك ما علیون کتاب مرفوم یشهده المقربون... تا آخر سوره را تلاوت کردم

چنان نیست که آن‌ها درباره معادی می‌پندارند بلکه نامه اعمال نیکان در علیین است و تو چه می‌دانی علیین چیست؟ نامه‌ای است رقم خورده و سرنوشتی است قطعی که مقربان شاهد آن‌اند

۱. سیمای معراج پیامبر، مهدی گرجی، ص ۱۳۴

پیامبر(ص) می‌فرماید در آن لحظه بر پدرم حضرت آدم از خداوند متعال طلب آمرزش نمودم او نیز برای من طلب آمرزش نمود. من از این ملاقات تجربه زیادی بدست آوردم اطلاعات فراوانی درباره حضرت آدم و فرزندانش بدستم رسید و بسیار جالب توجه بود هیچگاه فراموش نمی‌کنم.

۲. ملاقات با مسئول دوزخ

روشن‌ترین و محکم‌ترین و محوری‌ترین دیدارها است که جاذبه‌های شادی داشته باشد پیامبر اکرم(ص) دیدارهای خود با فرشتگان را تبیین می‌کند و بیان دارد ملاقات با همه فرشتگان با چهره شاد و نشاط‌انگیز و بشارت‌دهنده بود که بسیار خرسند می‌شدم به غیر از یک فرشته که نه خنده‌ای از او دیدم و نه نشاط‌انگیز و نشانه شادی تعجب کردم چرا که بد منظر و خشن بود او نیز مانند سایر فرشتگان در حق من دعا کرد ولی نخندید و روی خوشی نشان نداد از جبرئیل سؤال کردم این فرشته کیست؟ که بسیار هراسان و پریشان شده‌ام جبرئیل گفت شما طبیعی است که پریشان شوی همه ما با دیدن او پریشان می‌شویم این فرشته مالک و خازن و مسئول دوزخ است هرگز نخندید و از آن زمان که خداوند او را سرپرست دوزخ نمود روز به روز بر غیظ و خشمش نسبت به گمراهان و گنهکاران افزوده می‌شود خداوند به وسیله این فرشته از بدکاران انتقام می‌گیرد. پیامبر(ص) می‌فرماید: من به آن فرشته سلام کردم او جواب سلام مرا داد و مرا به بهشت مژده داد تقاضا کردم دوزخ را به من نشان دهد او پرده‌ای را کنار زد دری از دوزخ نمایان شد که شعله‌های آتش زبانه می‌کشید فوراً تقاضا کردم پرده به جای خود برگردد و آتش ناپدید شود که اینچنین شد و پیامبر برای مدتی دیگر نخندیدند.

۳. ملاقات و دیدار با عزرائیل

مشاهدات پیامبر (ص) بسیار جالب بود است گفتگوهای بسیار مؤثر بوده و گزارش آن‌ها نیز مفید و برای آمادگی جامعه تأثیرگذار می‌باشد حضرتش در ضمن گزارش‌های ملاقات‌ها بیان می‌کنند آنگاه به فرشته‌ای از فرشتگان گذشتم که در مجلسی نشسته بود فرشته‌ای که همه دنیا میان دو زانویش قرار داشت در این میان دیدم لوحی از نور در دست دارد و آنرا مطالعه می‌کند و در آن چیزی نوشته بود و او سرگرم دقت در آن بود نه به چپ می‌نگریست و نه به راست و چهره او چون چهره مردم اندوهگین به خود گرفته بود. پرسیدم این فرشته کیست؟ جبرائیل همراه من بود جواب داد او ملک الموت یا فرشته مرگ است. مسئولیت او این است که در لحظات آخر زندگی افراد حضور پیدا کند و جان آنان را دریافت می‌کند کار او این است که دائماً سرگرم قبض ارواح می‌باشد گفتم مرا نزدیکش ببر قدری با او صحبت کنم وقتی مرا نزدیکش برد سلام کردم و جبرائیل مرا معرفی کرد و به وی گفت این محمد نبی رحمت است که خدایش به سوی بندگان مبعوث داشته است عزرائیل مرحبا گفت و جواب سلام تحسینم داد و گفت ای محمد مژد باد تو را که تمامی خیرات را می‌بینم که در امت تو جمع شده است. گفتم حمد خدای منان را که منت‌ها بر بندگان خود دارد این خود از فضل پروردگارم می‌باشد آری رحمت او شامل حال ماست.

جبرائیل گفت این ملک از همه ملائکه شدید العمل تر است. پرسیدم آیا هر که تا کنون مرده و از این به بعد می‌میرد او جانش را می‌گیرد گفت آری از خود عزرائیل پرسیدم آیا هر کس در هر جا به حال مرگ می‌افتد تو او را می‌بینی و در آن واحد بر بالین همه آن‌ها حاضر می‌شوی گفت آری من شخصاً عهده دار قبض روح آن‌ها می‌شوم سپس اضافه کرد همه دنیا در نزد من مانند درهمی است که در کف دست شخصی باشد همانگونه که آن شخص بر آن درهم مسلط است هرگونه بخواهد آن را زیر و رو می‌کند من نیز بر دنیا این گونه تسلط دارم هیچ خانه‌ای نیست مگر اینکه هر روز پنج مرتبه به آن خانه سر می‌کشم و هر

گاه صاحبان عزا برای میت خود گریه کنند به آن‌ها می‌گویم برا او گریه نکنید همانا من به نزد شما باز می‌گردم و باز می‌گردم تا هیچکس از شما باقی نمی‌ماند رسول خدا(ص) در این وقت فرمود کفی بالهوت طامه یا جبرائیل^۱

ای جبرائیل مرگ به عنوان یک حادثه جانکاه غم‌انگیز برای عبرت کافی است. جبرائیل گفت حوادث بعد از مرگ جانکاه‌تر و اندوه‌بارتر است بدین معنا که زندگی بعد از مرگ شدیدتر است.

۴. دیدار با گروه پایمال‌کننده مال یتیم

در گزارشات پیامبر اکرم(ص) آمده است که:

قومی را دیدم که لب‌هایشان مانند لب شتر است و در کنار هر یک ملکی گماشته شده و با حربه‌های آتشین آن لب‌ها را از ایشان می‌برند و سنگ‌های آتشین در دهن ایشان می‌نهند سؤال کردم این‌ها چه کسانی هستند آن‌ها کسانی هستند که مال یتیمان را به ظلم مصرف می‌کردند.

«ان الذین یا کلون اموال الیتیمی ظلما انما یا کلون فی بطونیم نارا و سیصلون سعیرا»
 آنان که اموال ایتام را به ناحق می‌خورند لقمه‌ای آتش است که در دهن فرو می‌برند به زودی این آتش‌ها زبانه می‌کشد و او را به سعیر جهنم می‌کشاند.^۲

۵. دیدار با گروه بدگویان در غیاب

در ادامه گزارش پیامبر اکرم(ص) فرمودند: قومی را دیدم که از پوست و گوشت ایشان لقمه لقمه‌ی می‌گرفتند و در دهن خودشان می‌گذاشتند و می‌گفتند: «کلوا ما اکلتم» بخورید آنچه می‌خوردید.

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۳۱ و ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱۳، ص ۱۴.

۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۹۳.

سؤال کردم ای جبرئیل این‌ها چه کسانی هستند؟ جواب دادن آن‌ها غیبت مردم را می‌گفتند و پشت سر یکدیگر بدگوئی می‌کردند که به این روز گرفتار شده‌اند.

۶. دیدار با مردارخواران

پیامبر اکرم (ص) فرمودند یک گروهی را دیدم که سفره‌های آنچنانی گسترده و غذاهایی خیلی خوب درون سفره‌ها چیده شده و در اطراف سفره پر از مردار و غذاهای فاسد قرار گرفته که بجای استفاده از غذاهای داخل سفره از آن مردارها تناول می‌کنند پرسیدم ای جبرئیل این‌ها چه کسانی هستند؟ گفت: آنان که غذاهای حلال دارند و به حرامی می‌خورند.

۷. دیدار با جماعت رباخواران

رسول خدا که در دیدارها کنجکاوانه مشاهدات خود را انجام می‌دادند فرمودند جماعتی را دیدم که هرگاه یکی از ایشان می‌خواست برخیزد از بزرگی شکمش نمی‌توانست از جبرئیل پرسیدم این‌ها چه کسانی‌اند. گفت: رباخواران که روز قیامت برنمی‌خیزن مگر مانند افراد سرگردان و متعجب ناگاه ایشان را بر راه آل فرعون دیدم که بامگاه و شامگاه آتش برایشان عرضه می‌داشتند و می‌گویند خداوندا چه وقت قیامت برپا می‌شود بدیهی است که مراد از آتش در اینجا عذاب برزخی است.

۸. دیدار سخن‌چینان

میان دو کس جنگ چو آتش است	سخن‌چین بدبخت هیزم کش است
کند این و آن خوش دگر باره دل	وی اندر میان، کور بخت و خجل
میان دو تن آتش افروختن	نه عقل است خود را در آن سوختن

پیامبر(ص) فرمودند: قومی را دیدم که زبانه آتش در ایشان آویخته و باگازهای آتشین دهن ایشان را می‌بریدند تا سر دوش آن‌ها و آنجا که پر می‌شد باز می‌بریدند گفتم با جبرئیل این‌ها چه کسانی هستند؟ گفت سخن‌چینهائی که مردم را به هم درافکنند و این سخن بقدری پست و شنیع می‌باشد که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هماز مشاء بنعیم مناع للخیر معتدائیم عتل بعد ذالك زنیم»^۱

این افراد دائم عیب‌جوئی و سخن‌چینی می‌کنند و خلق را هر چه بتوانند از خیر و سعادت باز می‌دارند و به ظلم و بدکاری می‌کوشند با این همه متکبرند و خشن با آن که حرام زاده و بی‌اصل و نسب‌اند.

همچنین در جای دیگری می‌فرماید: «ویل لکل همزه لمزه» وای بر هر سخن‌چین غیبت‌کننده.^۲

وای بر هر سخن‌چین غیبت‌کننده که این آفت اخلاقی هم در این جهان باعث بهم‌ریختگی جامعه می‌شود هم در جهان دیگر عذاب خطرناک در انتظارش می‌باشد.

۹. دیدار با خطیبان فتنه‌انگیز

یک روز پیامبر اکرم روایتی نقل کردند که در شب معراج از میان جمعیتی عبور کردم که لب‌هایشان را باقیچی‌های آتشین می‌بریدند و دوباره جایش سبز می‌شد از جبرئیل پرسیدم این‌ها چه کسانی هستند گفت این‌ها خطیبانی از امت تو هستند که بر مردم چیزی می‌گویند که خود عمل نمی‌کنند.

خداوند متعال درباره این قوم و این دسته افراد می‌فرماید:

«تأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تتلون الکتاب افلا تعقلون»^۳

۱. سوره قلم، آیه ۱۱-۱۳

۲. سوره همزه، آیه ۱.

۳. سوره بقره، آیه ۴۴.

آیا مردم را به کارهای نیک و می‌دارید و خود را فراموش می‌کنید در حالی که قرآن را هم تلاوت می‌کنید آیا تفکر و تعقل نمی‌کنید.

و آیه قرآن: «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون»^۱
ای کسانی که ایمان دارید چرا سخن می‌گویند که عمل نمی‌کنید.

۱۰ و ۱۱. دیدار با حضرت یحیی (ع) و حضرت عیسی (ع)

حضرت یحیی (ع) و حضرت عیسی (ع) از پیامبرانی هستند که در زمان کودکی به پیامبری انتخاب شدند قرآن درباره‌ی حضرت یحیی می‌فرماید:

«یا یحیی خذ الكتاب بقوة و اتیناه الحکم صبیا»^۲

ای یحیی کتاب الهی را با قوت بگیرد و ما در کودکی فرمان نبوت به او دادیم و درباره حضرت عیسی می‌فرماید: «کیف نکلم من کان فی المهد صبیا» آن گروه گفتند چگونه با کودک در گهواره سخن بگوئیم «قالانی عبدالله اتانی الكتاب و جعلنی نبیا» و حضرت عیسی گفت من بنده خدایم او کتاب آسمانی به من داده و مرا پیامبر قرار داده است.

پیامبر اکرم (ص) که از قبل توصیف این دو پیامبر که در کودکی سخن گفته بودند و به پیامبری انتخاب شده بودند را شنیده بود مشتاق دیدار آنان بود فرمود: به آسمان دوم صعود کردیم یعنی به جایگاه عالی‌تر در آنجا به دو مرد زیاروی برخورد کردم بسیار شبیه هم بودند از جبرئیل پرسیدم این دو تن چه کسانی هستند جبرئیل گفت: اینان دو پسر خاله‌اند و هر دو پیامبر حضرت یحیی و حضرت عیسی من جلو آمدم بر آن دو سلام کردم ایشان نیز به من جواب سلام دادند و برایم طلب مغفرت نمودند و استقبال گرمی از من نمودند آنان به من گفتند مرحبا به برادر صالح و پیامبر صالح من هم برای آنان دعا کردم و طلب مغفرت نمودم.

۱. سوره صف، آیه ۳

۲. سوره حضرت مریم، آیه ۱۲.

۱۲. دیدار با حضرت ادریس(ع)

در هر جامعه‌ای همیشه عالمان از مقام ویژه‌ای برخوردار بودند و کرسی‌های آموزشی احترام ویژه‌ای را داشته‌اند در اسلام بر این مقام توصیه‌های زیاد شده است.

آیه قرآن می‌فرماید: «هل يستوي الذي يعلمون و الذين لا يعلمون» آیا کسانی که به دنبال مسائل علمی هستند و کسانی که نیستند مساوی هستند که هرگز چنین نیست؟ انبیاء الهی همه عالم بوده‌اند و برای بعضی از آن‌ها شرایطی پیش آمد که کرسی‌های آموزشی زیادتر ایجاد کنند حضرت ادریس از جمله پیامبرانی هستند که در زمان مسئولیتشان به جامعه آموزش‌های فراوانی را انتقال دادند پیامبر اکرم(ص) در سفر آسمانی خود گزارشی جالب را ارائه می‌دهند می‌فرماید.

در مقام چهارم آسمان‌ها بودم که مشاهده نمودم که کلاس درسی تشکیل داده به عده‌ای درس می‌دهد البته این مطلب نیز از امام صادق(ع) منتشر شده است که می‌فرماید «وسمى ادریس للكثرة دراسته الكتب» ادریس به جهت تدریس و تعلیم فراوان ادریس نامیده شده است.^۱

پیامبر(ص) از جبرائیل سؤال کردند این مرد کیست؟ در جواب گفت: این ادریس پیامبر است که خداوند به مقام بالای رفعتش داده است. و در قرآن نیز درباره او چنین دادیم «و رفعناه مکانا علیا»^۲ من به او سلام کردم و برایش طلب مغفرت نمودم او نیز جواب مرا داد و برایم طلب مغفرت نمود.^۳

قرآن درباره حضرت ادریس می‌فرماید: «و اذکر فی الكتاب ادریس انه کان صدیقا بینا»^۴ و از حضرت ادریس یاد کن که بسیار راستگو و پیامبر بزرگی بود.

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۱

۲. سوره مریم، آیه ۵۷

۳. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۷۷، ترجمه المیزان ج ۳ ص ۱۸

۴. سوره حضرت مریم، آیه ۵۶.

۱۳. دیدار با حضرت یوسف

موجودات عالم همه زیبا هستند و در بین موجودات ناگهان موجودی نظر انسان‌ها را به خود بیشتر جلب می‌کند و طبق قراردادهای و شرایط خاص آن موجود بیشتر جلوه می‌کند و با اصطلاح زیبا تر خود نمای می‌کند مانند ستارگان آسمان و سیارات که همه زیبا هستند و جلوه‌گری ماه بیشتر است که ضرب‌المثل شده هر موجودی زیبای دیگری را به ماه تشبیه می‌کنند حضرت یوسف (ع) مانند پیامبران دیگر الهی خود بسیار شایسته بوده است و زیبای او شهرت پیدا کرده است هم زیبای ظاهری او هم زیبای باطنی او که قرآن درباره حضرت یوسف می‌فرماید: «و کذالك مکنا لیوسف فی الارض»^۱ ما به یوسف در زمین قدرت دادیم «اذا قال یوسف لایهه با ابت انی رایت احد عشر- کوكبا و الشمس و القمر رایتهم لی ساجدین»^۲

هنگامی که یوسف به پدرش گفت دیدم یازد ستاره و خورشید و ماه در برابرم سجده می‌کنند و سوره یوسف داستان بسیار زیبا و جذابی از او بیان می‌کنند:

«فلما رأیته اکبر نه و قطعن ایدیهن و قلن حاشالله ما هذا بشراً ان هذا الا ملک کریم»^۳

هنگامی که چشمشان به او افتاد او را بسیار با شکوه و زیبا یافتند و از روی بی‌توجهی دست‌های خود را بردند و گفتند منزه است خدا این بشر نمی‌باشد این جز یک فرشته بزرگوار نیست.

همه این توصیف‌ها بیان‌کننده جذابیت یوسف است از نظر زیبایی و اخلاق و دینداری. چنین پیامبر مشهوری با آن همه ویژگی‌ها دیدنی می‌شود و پیامبر (ص) که قبلاً فرموده بود من از برادرم یوسف زیباتریم یا ملیح‌ترم اکنون فرصت دیدار پیدا شده است موقعیت بسیار عالی است. پیامبر (ص) در گزارش معراج فرمود به مردی برخورد کردم بسیار زیبا بسیار خوش

۱. سوره یوسف، آیه ۵۶

۲. سوره یوسف، ۴

۳. سوره یوسف، آیه ۳۱

قامت و زیبائی چهره‌اش نسبت به سایر افراد که دیده بودم مانند درخشش ماه درخشان در شب چهارم ماه نسبت به نور ستارگان دیگر. سؤال کردم این شخص کیست جبرئیل گفت این برادر شما حضرت یوسف به یکدیگر نزدیک شدیم پیامبر می‌فرمایند: من به او سلام کردم و این ویژگی پیامبر اکرم بوده است که همیشه پیش سلام بوده است و آنجا نیز به همین منوال و یوسف جواب سلام مرا داد او برای من دعا کرد و فرمود آفرین بر پیامبر شایسته خدا و برادر شایسته من و کسی که از جانب خدا برانگیخته شده است به پیامبری در زمان و عصر بسیار شایسته و در کنار ما فرشتگان در حال خضوع و خشوع بودند آنان نیز در آن منطقه مرا بسیار احترام کردند.

۱۴. دیدار با حضرت هارون و موسی دو پیامبر برادر

خداوند تبارک و تعالی نام موسی را در قرآن ۱۳۶ مرتبه و نام هارون را ۲۰ مرتبه مطرح می‌کند او را برادر موسی معرفی می‌کند در آیه ۱۴۲ سوره اعراف می‌فرماید: «و قال موسی لایخیه هارون اخلفنی فی قومی و اصلح»^۱ موسی به برادرش هارون گفت در میان قوم من جانشین من باش و امور آنها را اصلاح کن و در آیه دیگری می‌فرماید: واخی هارون هو افصح منی لساناً فارسله معی^۲ و موسی گفت برادرم هارون زبانش از من فصیح‌تر است او را همراه من بفرست و آیه دیگر قالوا آمننا برب هارون و موسی و سحره گفتند ما ایمان آوردیم به پروردگار هارون و موسی درباره معجزات حضرت موسی می‌فرماید: «و لقد جائکم موسی بالبینات»^۳ و موسی آن همه دلایل روشن و معجزات داشت.

۱. سوره قصص، آیه ۳۴

۲. بقره ۱۰۸

و درباره مکالمه خداوند با موسی می‌فرماید: «کلم الله موسی تکلیماً»^۱ و خداوند با موسی سخن گفت چه سخن گفتنی.

پیامبر اکرم در اطلاع‌رسانی از معراج فرمودند به آسمان پنجم صعود کردم در آنجا مردی بزرگ چشم را دیدم که به عمرم در این دنیا به آن عظمت ندیده بودم نزد او عده زیادی بودند که به نظر می‌رسید از پیروانش بودند من از کثرت ایشان بسیار خوشم آمد از جبرئیل پرسیدم این کیست؟

گفت این پیغمبری است که امتش دوستش می‌داشتند این هارون پسر عمران است من سلامش کردم جوابم را داد برایش طلب مغفرت کردم او نیز برای من طلب مغفرت نمود.

آنگاه به مقامی دیگر صعود کردم در آنجا مردی بلند بالا و گندم گون دیدم بسیار جذاب و دوست داشتنی بود او سخن می‌گفت و در ضمن گفتگو می‌گفت بنی‌اسرائیل گمان کردند که من محترم‌ترین فرزند آدم نزد پروردگار هستم و حال آن که این مرد گرمی‌تر از من است و مرا به افرادی که آنجا بودند نشان داد از جبرئیل سؤال کردم این مرد کیست گفت این برادر تو موسی بن عمران است پس او را سلام کردم او نیز به من سلام گرمی کرد سپس برای همدیگر دعا کردیم و جدا شدیم - در حالیکه حضرت موسی گریه می‌کرد و می‌گفت:

«أبکی لان غلاماً بعث بعدی یدخل الجنة من امته اکثر ممن یدخلها من امتی»

گریه بر امت خود می‌کنم که می‌بینم پس از من جوانی مبعوث به رهبری می‌شود که امت او داخل بهشت می‌شوند بیش از امت من که داخل بهشت می‌شوند و چنین به نظر می‌رسید که ملت مسلمان نه اینکه جمعیت زیادتری داشته باشند که در بهشت می‌روند بلکه به جهت اطاعت از پیامبر خود بیشترین جمعیت بهشت را تشکیل می‌دهند ولی بنی‌اسرائیل چه در زمان حضرت موسی و چه بعد از او کمتر از پیامبر خود اطاعت کردند.

۱۵. ملاقات با حضرت ابراهیم

یکی از پیامبران اولی‌العزم حضرت ابراهیم است که قرآن ۶۹ مرتبه نام او را بیان می‌کند در مواردی شرایط زمان او را بیان می‌دارد و در مواردی دیگر آزمایشات سختی که از او به عمل آمده است و در مواردی نیز مبارزه با بت پرستی او را مطرح می‌نماید. حضرت ابراهیم معروف است به قهرمان توحید چون با روش‌های متنوع با گروه‌های مختلف استدلال خداشناسی داشته است و غالباً نیز موفق بوده است.

در سوره بقره آمده است: «و اذا بتلي ابراهيم ربه بكلمات فاتمهن قال انى جاعلك للناس اماماً قال و من ذريتي قال لاينال عهدي الظالمين»

و یاد کنید که پروردگار ابراهیم او را با دستوراتی آزمود و او به طور کامل از عهده آن‌ها برآمد خداوند به او فرمود من تو را به امام و پیشوایی مردم قرار دادم ابراهیم گفت: از دودمان من نیز امامانی قرار بده خداوند به او فرمود پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد مگر آن‌ها که شایسته‌اند.^۱

درباره شخصیت اعتقادی حضرت ابراهیم می‌فرماید: حضرت ابراهیم سؤال کرد خدایا مردگان را چگونه زنده می‌کنید و برای آرامش قلب و حق‌الیقین پیدا کردن چنین تقاضایی را دارد که دستور انتخاب کردن چهار پرنده از گونه‌های مختلف داده می‌شود که حضرت ابراهیم آن‌ها را ذبح کنند و مخلوط کند و هر قسمتی را سر کوهی بگذارد و سپس دعوت کند تا پرنده‌گان به سرهای خود وصل شود و این کار اتفاق افتاد و شخصیت حضرت ابراهیم مشخص می‌گردد.

و در سوره آل عمران می‌فرماید: بگو خدا راست گفته است از آئین حضرت ابراهیم پیروی کنید که به حق واقعاً گرایش داشت.^۲

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۲. سوره آل عمران آیه ۹۵.

در ماجرای معراج این زیبایی نیز توسط پیامبر اکرم (ص) گزارش شد که در آسمان هفتم بازدید داشتیم که اولاً ملائکه مرتب با من سخن گفتند و توصیه به حجامت و خونگیری نمودند و طریق مداوا نمون بسیاری از بیماری‌ها خواهد بود و امروز، نیز پزشکان زیادی مسئله حجامت را احیا نموده‌اند.

و ثانیاً با مردمی روبرو شدم با موهای سر و صورت سفید و سیاه که بر تختی نشسته بود با او ملاقات کردم هم می‌دانستم او کیست هم سؤال کردم از جبرائیل که این مرد کیست؟ گفته شد او ابراهیم نبی (ص) پدر شما می‌باشد (چون پیامبر (ص) از طایفه عدنانیان که از نسل حضرت اسماعیل بود معرفی شده است)

با پدرم حضرت ابراهیم به گفتگو نشستیم که به من فرمود در آینده اینجا محل سکونت تو و پیروان تو خواهد بود و پرهیزکاران در این محل سکونت خواهند داشت. پیامبر می‌فرمایند من در این هنگام این آیه قرآن را تلاوت کردم «ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین آمنوا والله ولی المومنین» سزاوارترین مردم به ابراهیم آن‌ها هستند که از او پیروی کردند و همچنین این پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده‌اند و خداوند ولی و سرپرست مومنان است.^۱

حضرت ابراهیم فرمودند آفرین بر فرزند صالح من که برانگیخته شده به پیامبری در یک عصر شایسته در این منطقه فرشتگان خاشعی را دیدار کردم که مرا و پیروان مرا به نیکی و سعادت و رحمت بشارت دادند.

بازدید پیامبر (ص) از بیت معمور

در قرآن سوره طور آیات بسیار زیبایی دارد و خداوند در ابتدا و این سوره سوگندهای دارد که یکی از آن‌ها سوگند به بیت معمور است. «والطور و کتاب مسطور فی رق منشور و

البیت المعمور»^۱ به کوه طور سوگند به کتابی نوشته شده در صفحه‌ای گشوده سوگند و به آن خانه‌ی آباد سوگند.

دو مکان را بیت معمور گفته‌اند، یکی خانه خدا که همواره به واسطه حضور زائران و حاجیان معمور و آباد بوده و قرآن ده بار از کعبه به عنوان بیت مانند بیت عتیق^۲ و اول بیت^۳ بیت الحرام^۴ و سایر اسامی سخن به میان آمده است در روایات نیز آمده است که در آسمان‌ها محلی در مقابل کعبه قرار دارد که فرشتگان به روی آن طواف می‌کنند و آن نیز بیت معمور نام دارد^۵ ساده‌ترین خانه‌هاست ولی مبارک‌ترین بناهاست.

در حدیث معراج آمده است پیامبر اکرم(ص) به همراه جبرئیل به منطقه‌ای رسیدیم که گفته شد اینجا بیت معمور است خانه آباد آسمانی محاذی کعبه که همواره زیارتگاه و عبادتگاه فرشتگان است در این مکان دو رکعت نماز خواندم در آنجا عده‌ای از اصحابم را دیدم که بعضی لباس محکم داشتند وارد بیت المعمور شدند ولی آنان که لباس فرسوده داشتند را جلوگیری کردند در آنجا دو نهر بنام‌های نهر کوثر و نهر رحمت وجود داشت که از نهر کوثر نوشیدم و در نهر رحمت غسل کردم. امام باقر(ع) می‌فرمایند: هنگام نماز در بیت معمور پیامبر جلو ایستادند و جبرئیل و سایر فرشتگان پشت او صف کشیدند جبرئیل اذان و اقامه گفت و نماز به جماعت برگزار شد و همه بهشتیان به پیامبر اقتدا کردند.^۶

پیامبر(ص) فرمودند: در کنار بیت معمور باغ و بهشت زیبایی بود که من و همراهان وارد آن شدیم خانه‌هایی شبیه خانه‌های اصحاب خود که در روی زمین بود در آنجا دیدم در و

۱. سوره طور، آیه ۴

۲. سوره حج، آیه ۲۹

۳. آل عمران، ۹۶

۴. سوره مائده، آیه ۲

۵. تفسیر نور الثقلین

۶. فروع کافی، ج ۳، ص ۳۰۲

دیوار آن‌ها بوی مشک و مواد خوشبو می‌داد در میان این باغ درختی بسیار زیبا دیدم که جبرئیل نام آن را طوبی معرفی کرد تمام خانه‌های آنجا شاخه‌ای از این درخت را در خود داشت خداوند این درخت را در قرآن یاد کرده است در سوره رعد، آیه ۲۹ می‌فرماید: «طوبی لهم و حسن مآب» برای آن‌ها طوبی بهترین سرانجام است.

آمدن پیامبر (ص) به کنار سدرۃ‌المنتهی

در قرآن درباره درخت سدرۃ‌المنتهی می‌فرماید: و لقد راه نزله اخري عند سدرۃ‌المنتهی عندها جنۃ الماوی و بار دیگر نیز او را مشاهده کرد نزد سدرۃ‌المنتهی که بهشت مأوی در آنجاست.^۱

درباره سدرۃ‌المنتهی هر چند قرآن توضیح زیادی نداده است ولی اخبار و روایات اسلامی توصیف‌های گوناگونی درباره آن دارد و همه بیانگر این واقعیت است که انتخاب این تعبیر به عنوان یک نوع تشبیه و بخاطر تنگی و کوتاهی لغات ما از بیان این گونه واقعیات بزرگ است.^۲

سدره درختی است پر برگ و پر سایه این درخت در بهشت در منتهای عروج و فرشتگاه است جبرئیل نیز هنگامی که همراه پیامبر (ص) بود به آن رسید متوقف شد. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که «رأیت علی کل ورقة من اوراقها ملکا قائما یسبح الله تعالی»

من بر هر یک از برگ‌های آن فرشته‌ای دیدم که ایستاده بود و تسبیح خداوند می‌کرد.^۳

۱. سوره نجم، آیه ۱۴ و ۱۳ و ۱۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۶ و ۵

۳. مجمع البیان

درختی که هر برگی از آن می‌تواند بر امتی سایه بیفکند. این تعبیرات نشان می‌دهد که هرگز منظور درختی شبیه آنچه در زمین است نیست بلکه اشاره به سایبان عظیمی است در جوار قرب رحمت حق قرار دارد.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: آنگاه به درخت سدره‌المنتهی رسیدم که فاصله من با آن درخت همانقدر بود که خدای سبحان درباره‌اش فرمود. تا آنکه فاصله او با پیامبر به اندازه فاصله دو کمان یا کتمر بود «فکان قاب قوسین اوادنی»

پیامبر اکرم(ص) فرمود: مکالمه در این مکان بین من و خداوند صورت گرفت و این خاطره‌ای از کنار سدره‌المنتهی شد خداوند فرمود: آمن الرسول بما انزل الیه رسول خدا به آنچه که به او نازل شد ایمان آورد.

من در جواب خداوند از ناحیه خود و امتم گفتم: و المؤمنون کل آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله لانفرق بین احد من رسله

همه مؤمنان نیز به خدا و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و رسولان او ایمان آورده‌اند می‌گویند ما بین هیچ یک از پیامبران خدا فرقی نمی‌گذاریم به همه ایمان داریم.

باز گفتم: وقالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربنا و الیک المصیر

گفتند ما شنیدیم و اطاعت کردیم پروردگارا انتظار آموزش تو را داریم و بازگشت ما به سوی تو است.

خداوند فرمودند: لا یكلف الله نفساً الا وسعها خداوند بیش از توان کسی را مکلف

نمی‌کند

باز عرضه داشتم: ربنا لا تواخذنا ان نسينا او اخطانا

پروردگارا اگر ما فراموش یا خطا کردیم ما را باز خواست نکن

خداوند فرمود: مؤاخذ نمی‌کنم

عرض کردم: «ربنا و لا تحمل علينا اصرا كما حملته علي الذين من قبلنا»
پروردگارا سنگینی بر ما قرار مده آن چنان که بر کسانی که قبل از ما بودند قرار دادی
فرمود: چنین نمی‌کنم.

گفتم: خداوندا آنچه طاقت و تحمل آن را ندارم بر ما قرار مده و آثار گناه را از ما بشوی
و ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده تو مولا و سرپرست مایی پس ما را بر جمعیت کافران
پیروز گردان.

خداوند فرمود: همه این امور را به تو و امت تو عطا کردم.

امام صادق (ع) می‌فرماید: در آن وقتی که پیامبر (ص) این تقاضاها را داشته است هیچ
مهمانی به درگاه خداوند عزیزتر از پیامبر (ص) نبوده است و گفتمان ارزشمندی بوده است.^۱

فوق العادگی زیبای معراج با حضور و ملاقات علی (ع)

علی (ع) در جائی چشم به جهان گشود که نقطه آغاز معراج پیامبر عظیم‌الشان اسلام بود
و در جای به شهادت رسیدند که پیامبر اکرم (ص) در شب معراج خیر و برکت و فضل آن را
مشاهده فرمودند و حضرت مهدی آنجا را پایتخت حکومت جهانی خود قرار می‌دهند و آن
مسجد کوفه است.

ابن مسعود نقل می‌کند پیامبر اکرم (ص) زیبایی‌های معراج را که برای ما بیان می‌کرد و
یک وقت به این قسمت رسید که در شب معراج بجایی رسیدم بسیار جذاب از جبرائیل سؤال
کردم این مکان کجاست و نام آن چیست؟ جبرائیل گفت: این جا مسجدی مبارک و پر خیر
و برکت است که خداوند آن را برای اولیای خود برگزیده و این مسجد را برای اهل خود در
روز قیامت شفاعت خواهد کرد. پیامبران زیادی در این مکان نماز بجا آوردند که پیامبر اکرم

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷، ص ۲۲

نیز در این مسجد دو رکعت نماز بجا آوردند سپس فرمودند: به دربی از درب‌های بهشت رسیدم نوشته شده بود «علي ابن ابي طالب امير المؤمنين من قبلان يخلق آدم»
 علی فرزند ابوطالب که قبل از آدم خلق شده است.

پیامبر(ص) فرمودند: در شب معراج وقتی به مقام قاب قوسین اودنی رسیدم خداوند به من فرمود ای محمد از بین مردم چه کسی مطیع تر است گفتم ای خداوند بزرگ علی بن ابی طالب از همه مطیع تر است خداوند فرمود: علی را خلیفه و جانشین خود قرار ده که من او را برگزیدم و برای آرامش و اطمینان قلب تو با صدای محبوبت علی باتو صحبت می‌کنم.^۱

زیبائی نام علی(ع) در معراج

نام علی(ع) از اسم خدا گرفته شده است بخاطر همین است که توسل به این نام برای رسیدن به خدا همیشه برای پیروانش کارگشا بوده است برای علی(ع) نام‌های زیادی است که هر کدام اشاره به روح بلند و جنبه‌ای از شخصیت ایشان دارد.

امام صادق(ع) از رسول گرامی اسلام(ص) این چنین نقل کردند که در شب معراج نزدیک سدره‌المنتهی ندایی به من گفت ای محمد چه کسی را جانشین انتخاب کرده‌ای گفتم عادل‌ترین و صادق‌ترین افراد یعنی علی(ع) را خداوند فرمود: اسم خود را برای او انتخاب کردم او را علی نامیدم و خود هم علی اعلی هستم.^۲

سؤال مرد یهودی درباره معراج و اسلام آوردن او

بعد از وفات پیامبر(ص) مردی یهودی وارد مدینه شد و سؤال کرد جانشین پیامبر اسلام کیست مردم گفتند علی(ع) یهودی از علی سؤال کرد در شب معراج اولین کلام خدا با پیامبر(ص) چه بود حضرت علی(ع) فرمودند اگر جواب دهم اسلام خواهی آورد؟ مرد

۱. کتاب کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۰۶

۲. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۲۳

یهودی گفت بله حضرت فرمودند: در آن شب خداوند از پیامبر (ص) سؤال کردند جانشین شما کیست سلام مرا به او برسانید پیامبر سؤال کردند به چه کسی سلام برسانم خداوند فرمودند به سید و مولا علی (ع) پس یهودی حرف حضرت را تصدیق کرده به او گفت ابن مطلب را در کتاب داود دیده‌ام بعداً پیامبر (ص) فرمودند وقتی گفتم علی در آزمون ولایت و امامت سر بلند بوده است خداوند متعال هم علی (ع) را تأیید کرد و او را با نام امیرالمؤمنین خواند و بشارت داد.

فضایل امام علی (ع) در معراج

علی (ع) روح وسیعی دارد همه جانبه و چند بعدی او زمامداری بوده است عادل عابدی بوده است شب زنده دار در محراب عبادت گریان و در میدان نبرد جدی در برخورد با بیچارگان و یتیمان خندان، سربازی مهربان، سرپرستی مدیر، حکیمی است ژرف اندیش فرماندهی لایق، هم معلم و هم خطیب، هم قاضی و هم مفتی، هم کشاورز و هم نویسنده او یک انسان کامل است و بر همه چیز محیط.

گذشته از مدح حضرت علی در قرآن و روایات ادیبان عرب و عجم جایگاه بلندی برای او اختصاص داده‌اند وقتی به نام علی (ع) می‌رسند سر تعظیم فرود می‌آورد و صورت به خاک پای او متبرک می‌کند بالاترین اندیشه‌های انسانی و کرامت انسان در کلام و گفتار او نهفته است. او در آسمان‌ها نیز شهرت یافته است و فضایل زیبای او در زبان و کلام عرشیان می‌درخشد.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: در معراج هر ملکی بامن برخورد کرد سؤال و حرفش در مورد علی ابن ابیطالب بود تا جای که پنداشتم نام علی در آسمان معروف تر از نام من است^۱

قرار شد عطایای به من عنایت شود مشابه آن نیز به علی داده شد خداوند متعال پنج چیز به من عطا کرد و به علی(ع) نیز الطاف خود را عطا کرد.

به من کلمات جامع مقام نبوت، کوثر، وحی و معراج عطا کرد
و به علی علوم جامع، مقام جانشینی، سلسبیل، الهام و مقام کشف تحویل داده شد.^۱

ملک علی گونه در معراج

در شب معراج پیامبر اکرم(ص) ملکی را مشاهده کرد که تمام خصوصیات او شبیه علی(ع) بود با او سخن گفت جبرائیل نیز توضیح داد او ملکی است از ملائکه رحمان که حق جل جلاله او را به صورت علی خلق کرده است و ملائکه مقررین هرگاه مشتاق دیدار علی باشند به او توجه می‌کنند هرگاه مشتاق شنیدن کلام علی باشند پای صحبت او می‌نشینند.^۲

در دست آن ملک شمشیری همچون ذوالفقار بود که وقتی آن را حرکت می‌داد مانند علی(ع) حرکت می‌داد.

پیامبر(ص) فرمودند: بر ساق عرش نوشته‌ای دیدم که چنین بود.

انی انا الله لا اله الا انا غرصت جنة عدن ببدي اسكنته ملائكتي محمد صفوتي من خلقي ايد ته بعلي

من پروردگار عالم هستم هیچ کس غیر از من لایق خدایی نیست بهشت را آفریدم و ملائکه را در آن جای دادم محمد برگزیده من است در میان مخلوقاتم و او را با علی حمایت و تأیید کردم.^۳

در اینجا پیامبر(ص) می‌فرماید: خداوند با من سخن گفت بسیار زیبا و دلنشین و آرام بخش سؤال کردم آیا خدا با من سخن می‌گوید یا علی خداوند فرمود: ای محمد تو را از نور خود خلق کردم و علی را از نور تو، من از درون تو آگاهم و می‌دانم که علی محبوب تو است

۱. بحار الانوار ج ۱۶، ص ۳۲۳

۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۰۰

۳. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۱.

چقدر او را دوست داری و او هم چقدر تو را دوست دارد شما از جان یکدیگرید شما نور واحدید پس من هم با صدای محبوب تو سخن می‌گویم تا قلب تو اطمینان پیدا کند و تمام وجود تو آرامش پذیرد و سخن برای تو جذاب باشد و شنیدنی و با فصاحت و بلاغت چشم من به درختی طوبی افتاد و پی‌گیری کردم که اصل این درخت در کجاست مشخص شد اصل این درخت وجود نورانی علی(ع) است.

گفتگو در معراج از بهترین اهل زمین

جابر بن عبدالله انصاری این صحابه ارزشمند پیامبر اکرم(ص) که تا زمان امام باقر(ع) زنده بود نقل کرد در یک فرصتی که همراه پیامبر(ص) در عرفات بودم و علی(ع) نیز حضور داشت، پیامبر(ص) فرمودند: ای علی به من نزدیک شو و قتی علی(ع) آمد نزد پیامبر(ص) پیامبر فرمودند: ای علی دست خود را در دست من بگذار سپس فرمود در شب معراج به من گفتند جانشین خود را چه کسی قرار می‌دهی. گفتم خیر اهل الارض. بهترین اهل زمین را آنگاه پیامبر(ص) چند مرتبه فرمودند: یا علی یا علی و علی لبیک گفتند پیامبر فرمودند: من و تو از یک درخت هستیم که من اصل آن درخت و تو شاخه‌های آن و فرزندان حسن و حسین گل‌های آن درخت‌اند ای علی هر کس راه این فرزندان را دنبال کند وارد بهشت می‌شود. اگر امت من بسیار روزه بگیرند و بسیار نماز بخوانند ولی در عین حال با تو دشمنی کنند خداوند آن‌ها را با صورت به آتش جهنم خواهد انداخت.^۱

امتیازهای علی(ع) در معراج

کتاب فصل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم حضرت علی(ع) در میان همه افراد بشر دارای امتیازهایی است که حتی بسیاری از انبیاء هم ندارند ائمه نیز فرموده‌اند او بهترین ما بعد از رسول الله(ص) است. امام باقر(ع) می‌فرماید: علی اولنا و افضلنا و خیرنا بعد رسول الله علی اولین و برترین و بهترین ما بعد از رسول الله است.^۱ در معراج حقایقی به پیامبر اکرم(ص) نشان داده شد که از امتیازات بسیار سطح بالای علی علیه‌السلام است. پیامبر(ص) فرمود: در شب معراج بر یکی از جایگاه‌های عالی بهشت این جمله نوشته شده بود.

لا اله الا الله محمد رسول الله علي اخو رسول الله

هیچ خدائی به جز خدای یکتا نیست و محمد رسول الله و فرستاده او است و علی برادر پیامبر است.

جبرائیل نیز حضور داشت و به پیامبر گفت: نعم الاخ اخوك علي ابن ابيطالب

چه خوب برادری است برادر تو علی ابن ابیطالب.^۲

پیامبر اکرم(ص) با پیراهنی که به معراج رفته بودند و انگشتری که در دست داشتند همیشه در نگهداری آن‌ها دقت نظر می‌کردند و یک روز نیز این پیراهن و انگشتر را به علی(ع) دادند و او را رسماً وارث خود معرفی کردند.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۱۲.

۲. صراط مستقیم، ج ۱، ص ۲۰۸.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۶.

در شب معراج خداوند به پیامبر فرمود یازده جانشین تو از فرزندان علی (ع) خواهند بود و آخرین آن‌ها کسی است که حضرت عیسی به او در نماز اقتدا خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

امام صادق (ع) فرمودند: در شب معراج خداوند انبیاء را جمع کرده است و از آن‌ها عهد و پیمان گرفت و با آنان بر ربوبیت خود و رسالت پیامبر اکرم و امامت امیرالمؤمنین و ائمه میثاق بست.^۱

محبت علی (ع) هدیه الهی

درباره محبت علی (ع) و اثرات این محبت در دنیا مطالب فراوانی است که در فرهنگ دینی ما وجود دارد از امتیازات شیعه بر سایر مذاهب این است که پایه و زیر بنای اصلی معارف ما محبت است که از زمان شخص پیامبر (ص) پایه گذاری شده است زمزمه محبت و دوستی علی (ع) در رگ و ریشه یک پیرو واقعی اسلام است از این رو تشیع مذهب عشق و شیفتگی به علی (ع) است.

پیامبر اکرم از گزارشات شب معراج محبت علی (ع) را نیز بیان کرد که بسیار جذاب است پیامبر نقل کردند: در شب معراج ملکی را دیدم که بر منبری از نور نشسته و ملائکه اطراف او بودند به جبرئیل گفتم او کیست جبرئیل گفت: نزدیک شو نزدیک شدم دیدم که علی (ع) است گفتم او از ما سبقت گرفته است جبرئیل گفت نه بلکه چون ملائکه محبت علی را دارند این ملک به شکل علی است و همچون علی سخن می گوید.

اینجا جبرئیل گفت اگر امت تو بر محبت علی اجتماع می کردند خداوند جهنم آتش را خلق نمی کرد بعدها پیامبر (ص) به علی می فرمود: ای علی در معراج در چند جا با من بودی اگر چه تو را در زمین جانشین خود قرار داده بودم از خدا خواستم تو با من باشی و خداوند قبول کرد که تو با من باشی.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۳۶.

۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۸.

در سوره نجم آیه ۱۰ آمده است و اوحی الی عبده ما اوحی^۱ آنگاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند وحی کرد.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: در شب معراج در مورد علی و مقام و منزلت او جانشینی و امامت او به من وحی کرد تا اینکه زمان اعلان که شد در آخرین سفر حج در غدیر خم خطاب آمد بلغ ما انزل الیک من ربک

زیبائی نماز در معراج

انسان نیازمند است به مبدأ و مقصد وضع نابهنجار بعضی از جوامع انسان را وادار می‌کند به خواسته‌های فطری و منبع فیض که پیش روی انسان قرار می‌گیرد نگاهی به دستورات دینی اندازد ناگهان چشمش به نماز روشن می‌شود و در اندیشه فرو می‌رود که این نماز است که توسن فکر او را به جولان می‌آورد و متوجه این حقیقت می‌شود که با استعداد از درگاه ذات خداوندی تسکین می‌یابد و اگر از صبح گاه تا شامگاه یاد خدا باشد درجات کمالی را می‌پیماید.

علت تأکید اسلام بر ذکر پیوسته و نماز این است که انسان در خلال زندگی دنیوی لحظه به لحظه ممکن است فشارهایی بر او وارد شود که غلبه بر آنها به تنهایی ممکن نیست بلکه با ارتباط با خدای خود بر آنچه سر راه خود می‌بیند غلبه پیدا می‌کند و در پرتو نیایش و یاد خدا بواسطه نماز پیشرفت‌های ارزشمندی بدست می‌آورد. کوتاه سخن که ذکر و یاد قلبی و زبانی و عملی که در نماز نهفته است پیامدهای عالی روحی، معنوی زیبا و حالات بسیار دلنشین دنیوی برای انسان خواهد داشت و خیلی زود به وادی ایمن می‌رسد و حالت اتصال به نیرویی مافوق پیدا می‌شود.

یکی از دانشمندان بزرگ مسیحی ویکتور فرانکل می‌گوید: انسان آنگاه از سلامت جسمی و روانی برخوردار است که آرامش را لمس کند و در زندگی احساس معنا کند هم او

می‌گوید: عبادت، دعا و نیایش و دائماً با خدای خود راز و نیاز کردن به زندگی انسان حیات پاک می‌دهد و آدمی معنا پیدا می‌کند.^۱

پیامبر اکرم (ص) از سفر معراج برای پیروان بهترین سوغات که نماز با این آرایش فعلی است آورد که خود از زیبایی نماز در معراج چنین گزارش می‌کند: صدای دلنشین اذان شنیدم تا آنوقت چنین صوت زیبا از نظر فصاحت و بلاغت و محتوای عالی نشنیده بودم آن فرشته مؤذن صدا برآورد الله اکبر الله اکبر و ... فضای بهشت معنوی بود درجات معنویت چندین برابر بیشتر شد.

سپس خطاب شد یا محمد به آب چشمه صاد نزدیک شو و اعضای از بدنت را بشوی و بسوی پروردگارت نماز بجای آور بدانجا نزدیک شدم وضوی شادابی گرفتم خدای تبارک و تعالی دستور نماز را صادر کرد و نماز خواندم سوره حمد را پس از تکبیر قرائت کردم سوره توحید را تعلیم داد و من خواندم رکوع و سجود و آموزش داد انجام دادم پایان نماز بر خداوند سلام دادم و خداوند جواب داد.

اسحاق بن عمار می‌گوید: من پای نقل این قسمت از گزارش معراج بودم سؤال کردم آن چشمه صاد چه بود پیامبر (ص) فرمود: چشمه زیبایی از ارکان یکی از مناطق عرش که آن را آب حیات می‌گویند و همان است که خداوند در قرآن از آن یاد کرده است با حرف صاد. سوگند به قرآنی که دارای ذکر است.

شیخ صدوق در علل الشرایع می‌گوید: «این نماز دو رکعت بوده است هر رکعت دارای یک رکوع و دو سجده که همین نماز را پیامبر اکرم وقتی از معراج برگشت به پیروان تعلیم نمود» و در هر کجا فرصتی پیدا می‌کرد می‌فرمود: «استعینوا بالصبر و الصلوة و انها للكبيرة الاعلي الخاشعين»

۱. کتاب انسان در جستجوی معنا، ص ۱۳۸، ویکتور فرانکل

شما را به صبر (در اینجا یعنی روزه) و نماز توصیه می‌کنم هر چند کار بسیار بزرگ و پیچیده‌ای است اما برای فروتن‌ها زیبا و آسان خواهد بود.^۱

علی(ع) می‌فرماید: با وجود این که خداوند بهشت را به پیامبر(ص) بشارت داده بود از بس نماز آن هم با تمام شرایط نماز بجای می‌آورد خود را به زحمت انداخته بود او عاشق نماز بود که خود فرمود نماز نور چشم من است. (قرته عینی فی الصلاه)

از اینرو گفت شاه عشق سیرت به بوذر چونکه دیدش با بصیرت
که روشن دیده من از نماز است دلم چون صحن گلشن زین نیاز است

این تلاش و فعالیت و عشق ورزیدن به نماز چنان در اعضا و خانواده پیامبر(ص) تأثیر گذاشته بود که حضرت زهرا(س) نماز می‌خواند چنان در نماز توجه داشت که بعد از نماز دعا می‌کرد خدایا برای ما سفره آسمانی نازل کن و چنین می‌شد.

این نماز رسول گرامی اسلام چنان در امام حسین تأثیر گذاشته بود که حضرت سیدالشهداء در شب عاشورا به برادرش حضرت عباس بن علی فرمود: اگر بتوانی اینان را از جنگ منصرف کنی این کار را امشب بکن می‌خواهم امشب هم در پیشگاه الهی به نماز بایستم و فرمود: «فانّه يعلم انی احب الصلوا له و تلاوه کتابه»

خدا می‌داند که من نماز خواندن و تلاوت قرآن را چقدر برای او دوست دارم
به امید آنکه از این سوغات پیامبر(ص) از سفر معراج بهره گیریم و با کلید نماز درب‌های دنیا و آخرت را بر روی خود باز نمائیم و ما نیز در حد و ظرفیت خود با نماز به معراج رویم
که «الصلوته معراج المؤمن»

زان جلای قلب روحانی شوی در صفات لم یزل فانی شوی
هم صلوت کو حضور دائم است ذکر و فکر بی قیود دائم است

شد بمانند دو بال از بهر طیر مرغ جانت زان هوا گیرد سیر

چه زیبا معراجی و چه زیبا گزارشی و چه زیبا سوغاتی که اگر پیروان رسول گرامی
اسلام با اعتقادی محکم معراج را باور کنند معرفت و بصیرت مرضی خدا پیدا خواهند کرد.

پایان

کتابنامه

۱. قرآن کریم

۲. تفسیر المیزان، طباطبائی، سید محمدحسین، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ شمسی.

۳. تفسیر نمونه، آیت اله مکارم شیرازی و همکاران، انتشارات دار الکتب اسلامی، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۸ شمسی

۴. تفسیر قمی، قمی علی ابن ابراهیم بن هاشم، موسسه دار الکتب قم

۵. تفسیر صافی، ملامحسن فیض کاشانی، مشهد انتشارات دارالمرتضی، چاپ اول

۶. تفسیر نورالثقلین، العروسی الحویزی، الشیخ عبدالعلی بن جمعه، موسسه اسماعیلیان، قم، چاپ

چهارم

۷. تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، موسسه اعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵، قمری

۸. تفسیر نور، قرائتی، محسن، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۶

۹. تفسیر اطیب البیان، طیب سید عبدالحسین، انتشارات تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸

۱۰. تفسیر روض الجنان، خزائی نیشابوری، حسین بن علی محمد بن احمد، بنیاد پژوهش‌های

آستان قدس رضوی

۱۱. تفسیر منهج الصادقین، ملا فتح الله کاشانی، کتابفروشی اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۴۴، شمسی

۱۲. تفسیر کبیر، ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، مجله دار المعرفه، بیروت ۱۴۱۲

۱۳. تفسیر جامع البیان، طبری، ابی جعفر محمد بن حریر، دار الفکر للطباعه و النشر، ۱۴۱۵ قمری
۱۴. امالی، شیخ صدوق، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ شمسی
۱۵. بحار الانوار، علامه مجلسی محمد باقر، ۱۱۰ جلد موسسه الفاء بیروت ۱۴۰۴ قمری
۱۶. فروغ ابدیت، آیت اله سبحانی، جعفر، موسسه بوستان کتاب، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ هجدهم، ۱۳۸۲.
۱۷. ترجمه نهج البلاغه، دشتی محمد، انتشارات مشرقین، چاپ چهارم، ۱۳۷۹
۱۸. دیوان مثنوی، جلال الدین مولوی، دفتر چهارم
۱۹. گلستان سعدی
۲۰. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، چاپ و انتشارات اقبال
۲۱. معراج پیامبر(ص)، زکی زاده، علیرضا انتشارات زائر آستان قدس، چاپ پنجم، ۱۳۹۱.
۲۲. روضه کافی، مرحوم کلینی، جعفر محمد بن یعقوب، انتشارات علمیه اسلامیه
۲۳. ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم
۲۴. ترجمه تفسیر مجمع البیان، دکتر میرباقری، دکتر بهشتی، حاج شیخ محمد رازی، سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ اول
۲۵. خصال صدوق، امام ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، به صندوق انتشارات معارف اسلامی
۲۶. مناقب آل ابی طالب، مازندارنی، ابن شهر آشوب، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ قمری
۲۷. المنجد، احمد سیاح، انتشارات اسلامی، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۷
۲۸. عیون اخبار الرضا، ابو جعفر شیخ صدوق، انتشارات جهان، ۱۳۷۸

۲۹. تمدن اسلام و غرب، گوستاولون، ترجمه خرمشاهی، چاپ دوم
۳۰. معراج در آئینه استدلال، شاهرودی، محمدی انتشارات اسوه چاپ اول
۳۱. احتجاج، طبرسی، ابومنصور احمد به علی نشر مرتضی، مشهد مقدس، ۱۴۰۳ قمری
۳۲. سیمای معراج، گرجی، مهدی، انتشارات پیام عترت، سال ۱۳۸۰
۳۳. صراط مستقیم، نیاطی شیاض علی بن یوسف، کتابخانه حیدریه نجف
۳۴. انسان در جستجوی معنا، ویکتور فرانکل
۳۵. مجله فضا، شماره ۵

